وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه
مجله ماهانه فرهنگی فارسی وترکی آذری

۱۰ ـ اینجی صایی ـ بهمن ۱۳۵۸ ـ شماره ۱۰

VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
No. 10
Feb. 1980

Adress: Mossadegh Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۷۰ ریال

ایچینده کیلر

(فهرست)

صفحه

۱ـ ماه قیام وانقلاب ۳
۲ـ شعر سهند : اماما سلام ۵
۳ـ شعر م. شبسترلی : تبریزیم ۷
۴ـ اصلاح الفبای عربی برای املاء صحیح ترکی آذری : دکتر حمید نطقی ۹
۵ـ تأثیر تمدن اسلام در پیدایش تمدن غرب : دکتر جواد هیئت ۱۷
۶ـ سهنددن حمزة اوغلونا ۲۵
۷ـ آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش (۸) : دکتر جواد هیئت ۲۷
۸ـ بزرگان آذربایجان: صفی‌الدین اورمیه‌ای حقینده. از پرفسورغلامحسین بیگدلی ۴۷
۹ـ « « ملااحمد مقدس اردبیلی حقینده: ت. پیرهاشمی ۵۳
۱۰ـ بهجت‌آباد خاطره‌سی: غزلی از استاد شهریاد ۵۷
۱۱ـ اونوتدوم: شعر از دکتر حمید نطقی ۵۸
۱۲ـ آتالار سؤزو، توپلایان: منظوری خامنه‌ای ۵۹

گلن مکتوب و شعرلر:

۱۳ـ آند: آذربایجانین عاشیقلارینا تقدیم: غلامرضا مجدفر ۶۱
۱۴ـ ۱۰-باباتی : بهرام ائلچین ۶۴
۱۵ـ شوشالی‌خان حقینده شعر : ح. مجیدزاده (ساوالان) ۶۵

وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه
مجلهٔ ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی آذری

۱۰ـنجی صایی بهمن۱۳۵۸ ـ شماره۱۰

ماه قیام و انقلاب

اینك‌بهمن، ماه پرحادثه وافتخارآفرین ایران وآذربایجان فرارسید. پایه‌های‌خونین رژیم منفور و سیاه سلطنت در طوفان«۲۹ بهمن ۵۶»لرزید. در شب تیرهٔ شهادت صدها آذربایجانی برپاخاسته و دست از جان شسته نشانه‌های فجر رهائی پدیدارگشت، رژیم دیرپای وگندیده ستم و فساد پایان محتوم خود را عیان دید. مختصرانه به‌تقلا افتاد و از پس قیام ۲۹ بهمن، نمایش فرمایشی و مهوع«رستاخیزی»باصطلاح «عظیم و با شکوه» خود را دست وپاکرد. از تهران باردیگر پیامهای قهر و تهدید و افترا فرارسید. گفتندکه در جیب شهیدان‌آن قیام شعبده‌بازان رژیم،همه،گذرنامه‌های‌خارجی یافته‌اند! گفتندکه که اینهمه‌کار «مشتی ماجراجو» و «نوکر خارجی» بوده است! گفتند وگفتند لکن چشمهٔ آفتاب حقیقت‌را بااین‌گل‌ولجن بدیهی است‌که نتوانستند بپوشانند. این‌باردروغ‌پردازان چیره زبان و تئوریسینهای معلوم‌الحال چون جعفریان را به‌تبریز عزیز و ماتم‌زده‌گسیل داشتند. اینان با دهان‌کف‌کرده و عرق‌ریزان چه دروغهاکه نگفتند و چه رطب و یابس که بهم نبافتند. در زیر عنوان خطاب به«قهرمانان‌آزاده»که همان چماق‌بدستان حرفه‌ای مزدور و خودفروش حاضر در میدان بودند ، از هیچ‌گونه تهمت و توهین وافترا نسبت به‌قهرمانان راستین‌آزادهٔ فروگذار نشدند. لکن تبریز وآذربایجان نهراسید، رام نشد، گامی پس نکشید. طوفان می‌خروشید، تیر خلاص رهاشده بود، «کاوه» بیرق‌خونین انقلاب را برافراشته بود لکن این‌بار بدون تمسك و پناه‌آوردن به‌صاحبان شکوه وامتیاز و دودستی تقدیم‌کردن ثمره‌های انقلاب به«فریدون»ها که‌حتی‌که در اسطوره‌ها نیز گفته می‌شود هرگز «فرشته نبودند». این‌بار مردم بودندکه می‌خواستند بدون چنین‌قیم‌و واسطه‌هائی سرنوشت خود را بدست‌گیرند و شجرهٔ خبیثهٔ ظلم و عدوان دوهزاروپانصد ساله را از بیخ و بن براندازند.

انقلاب ایران، پس ازسالی پرحوادث سرنوشت‌ساز از خیزگاه ۲۹ بهمن‌به‌پیروزی

۲۲ بهمن رسید. در این روز ایران برهبری **امام خمینی** و به‌همت خلقهای‌برومندش، با دست و پنجه و عرق‌و خون همهٔ ستم‌کشیدگان و غدردیدگانش، باگروههای‌روحانیون مبارز، روشنفکران، دانشجویان، دانش‌آموزان، کارگران وکشاوزان و شهر ودیه‌نشینان واقوام‌وعشایر، با نیروی لایزال ایمان به‌توپ و تانك و سلاحهای بسیارپیچیده‌ومرگ‌بار که اربابان در اختیار سلاخان مزدور خود قرار داده بودند غالب آمدند و بگفتهٔ امام امت خون بر شمشیر پیروزگشت.

آن‌کاخ زر اندود نمرود نـاگهان فروریخت، طلسم زبونی و بدبختی باطل‌گشت، شیشهٔ عمر دیو بدنهاد ستم و استثمار و استعمار بشکست . تحقق شعار «استقلال،آزادی و جمهوری اسلامی»کـه ازگلوی میلیونها حسرت‌زده‌کـه زنجیرهای اسارت را پاره‌کرده بودند، ممکن‌گشت.

نسل ماکه‌گواه عظیم‌ترین تحولات تاریخ این‌کشور است و غروب خدایان‌دروغی را به‌چشم خود دیده و بساط شوم سلطنت دیرپای را برچیده است، بهمن‌ماه را چون ماه قیام و انقلاب و پیروزی وآغـاز روزگاری‌که درآن‌آزاد چون انسانها می‌تـوان زیست همواره بیاد خواهد داشت.

این نسل دست‌آوردهای انقلابی راکه درقرنها ممکن نشد و خوشبختانه فرهٔفال آن به‌نام ما زده‌شده ازجان ودل‌پاسداری خواهدکرد. این نسل، دربنای ایرانی‌که‌براستی مال ایرانی‌باشد، ودرآن همه، برادروار وآزاد زندگی‌کنند و برای نسلهای‌آینده‌بهروزی ورستگاری را بنیان‌گذارند از بذل جان دریغ نخواهدگفت.

دراین روز ومـاه میمون افـراد بـرومند خانوادهٔ بـزرگ ایران یعنی اقوام ترك وفارس وکرد وترکمن وعرب وبلوچ را درود می‌فرستیم وشادکامی‌آنـان راآرزومندیم و شهیدان عزیز درخون خفته راگرامی می‌داریم.

سخن را با درج چند بیتی ازشعر شادروان **سهند**که درزیر تأثیر حوادث‌تاریخساز سال پیش سرود ودریغا دربامداد امیدها درنخستین ماه بهار ما را بدرود گفت ونیزشعری از **م.شبستری**کـه پیش ازقیام بهمن سروده شده وخواننده‌ای‌آن را به‌مـا ارسال داشته است، به‌پایان می‌رسانیم (لازم به‌تذکر است‌که تمامی شعربلند سهند درشماره‌اول‌وارلیق به‌چاپ رسیده است).

سهندن :

اماما سلام

ای قارانلیق گئجه‌ده طالع اولان بدر تمام ،
شرف علم و عمل اشجع آیات عظام ،
آیت‌اله بحق ، پشت و پناه اسلام ،
ای یازیق کتله‌لرین رهبری ، ای شانلی امام.
ای علی‌نین خلف اوغلی ، سنه مینلرجه سلام.

سن ائلین قرنلر آغزیندا قالان حق سؤزوسن،
سن قارانلیقلار آراحقی گؤرن حق گؤزوسن،
حق قولی، حق الی، حق جارچیسی حقیق ئوزوسن،
حق گوجیله وورروشانمازدی بوایرنج نظام .
ای علی‌نین خلف اوغلی، سنه مینلرجه سلام.

سنی قورخوتمادی «نمرود» لرین تانکی، توپی،
قیررام‌ـئولدوررمی، بوی بویلاماسی، فورسی، گوپی،
دیبده باشلاندی یامان بت‌لرینین قوپ‌هاقوپی،
عصرین ابراهیمی سن ، صیندی الینله اصنام.
ای علی‌نین خلف اوغلی، سنه مینلرجه سلام.

سن ایناندین بوناکی «حقین الی خلقله دیر»،
حقی آنماق، تانیماق خلقه دایانماق بئله دیر،
ائل گوجی، حق گوجی؛ نه سئل گوجی، نه زلزله دیر،
بو حقیقتله یقین قارشی دورانماز اوهام.
ای یازیق کتله‌لرین رهبری، ای شانلی امام

قویمایاق جرگه میزه یول تاپالار «معاویه»لر.
اهل ایمانه گرکمز یاوا سؤز سویلیه‌لر،
شهدایه نه روا درکه منافق دییه‌لر؟
ئولومی قارشیلاماز اولماسا بیر کسده اینام.
ای یازیق کتله‌لرین رهبری، ای شانلی امام.

من‌ده حق عاشقیه‌م، سئوگیلیمین حیرانیام،
گنج یاشیمدان بومرارتلی‌یولون کروانیام،
قسمت اولسا بو «منی» نین قوجا بیر قربانیام،
ائله حقیمده دعا بلکهٔ بو آماله چاتام.
ای علی‌نین خلف اوغلی، سنه مینلرجه سلام.

من «سهندم» اگیلنمز یادا طوفانلی باشیم،
ائل بیلیر، حقلی دؤگوشلرده کئچیب چوخلو یاشیم.
اؤیورم من سنی، ای دؤنمزیم، ای جبهه داشیم،
ای علی‌نین خلف اوغلی سنه مینلرجه سلام.
ای یازیق کتله‌لرین رهبری، ای شانلی امام.

ب. ق. سهند
مراغه، ۱۸ بهمن-۱۳۵۷

م. شبسترلی:

تبریزیم

ای هله ده سینه‌سی قان تبریزیم
یونجا یئییب حقین آلان تبریزیم
شئر کیمی سنگرده یاتان تبریزیم
سیلکه‌له زنجیرلری قیر بیر داها
میدانا اصلان کیمی گیر بیر داها

تاریخه زینت‌دیر سنین مرد آدین
لرزه سالیب قرنلره فریادین
سن سن اؤزون آخری اؤز امدادین
دور که اسارت یاراماز تبریزیم
ظلمه اؤلوم فرمانی یاز تبریزیم

بابك خرم دینه ستارخانا
مین‌بئله مرد انسانا مرد اوغلانا
سود وئروین لایلادئین بیر آنا
ذلته قالدیرمایاجاق فریادین؟
دوغمایاجاق عصره گؤره فرهادین؟

سئیر ائله‌یین هر طرفین تبریزین
امیرـقیزین دؤنگه‌لرین بیر گزین
سردارین اوردا گؤره جکسیز ایزین
مردلرین اولادی مرد اولمالی
دونیادا سردار کیمی فرد اولمالی

شیخ دئییر تبریز اویان بیر داها
قوی بوروسون هریانی قان بیر داها
غفلته گل وئرمه امان بیر داها
یاتماکه اؤتموش بوتون ائللر سنی
دور آپارار یوخسا بو سئللر سنی

هر طرفینده قورولوب دار سنین
زنجیر آغیر گؤزلرین آغلار سنین
لیك ائله مردانه‌لیگین وار سنین
ایسته دیگین گونده قیرار بونلاری
بیرـبیره بیر دمده وورار بونلاری

دوزدور، که‌آت چاپدیلار سینه‌نده هئی
اود قالاییب یاخدیلار گلشنده هئی
دجله‌دیلر بوغدانی خرمنده هئی
شاختادا دا قویدولار عریان سنی
قامچیلاییب آتدیلار ییجان سنی

دوزدور آخیب حددن آرتیق قانین
یاندیریلیب‌در کول اولوب هر یانین
فکره بئله یوخدو سنین امکانین
دوزدور بولار (بونلار) سن گینه قالدیر باشین
بیر داها قوی سنگر اولا هر داشین

یوز کره دگدین یئره سن ای وطن
بیر داها قالخماز دئدی هر بیر گؤرن
لیك او قدر گئچمه‌دی که بیر دَه سن
سیلکه‌له‌نیب شئر کیمی قالخان زمان
حیرته غرق اولدو سراسر جهان

أزدی سنی شاختا سازاق قار بوران
چاپدی آتین گئچدی باشیندان .دومان
اوتدو افقلرده اونو تا زمان
سن دیری قالدین یاشادین اؤلمه‌دین
حقینی غاصبلر ایلن بؤلمه‌دین

قوی غضبین گورلایا طوفان کیمی
قان جوشا قلبینده بیر عمان کیمی
میدانا گیر قورخمایان اصلان کیمی
سنگر ائله داغ‌داشینی بیر داها
قدرتینی گؤستر او صاتقین شاها.!

پیشنهاد:

در بارهٔ خط و قواعد اولیهٔ املای ترکی آذربایجانی

این مقاله که حاوی نکات لازم تکمیلی و اصلاحی برای املای ترکی آذری با الفبای عربی است بنابه پیشنهاد مجله وارلیق از طرف آقای دکتر حمید نطقی که سالیان دراز دراین باب تحقیق و تفحص نموده‌اند به عنوان پیشنهاد تهیه گردید و اینک بعد از تصویب هیئت نویسندگان وارلیق منتشر میشود تا خوانندگان و نویسندگان زبان و ادب ترکی آذری پاره‌ای از مشکلاتیرا که در سر راه دارند پشت سر گذاشته و با رعایت این نکات از خط و روش واحد برای خواندن و نوشتن ترکی استفاده‌نمایند. وارلیق.

الفبای عربی، چنانکه می‌دانیم، به‌ظاهر ۲۸ حرف دارد:

ا ـ ب ـ ت ـ ث ـ ج ـ ح ـ خ ـ د ـ ذ ـ ر ـ ز ـ س ـ ش ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ع ـ غ ـ ف ـ ق ـ ك ـ ل ـ م ـ ن ـ و ـ ه ـ ی.

این الفباکه از ابتدا موافق نیازهای زبان عربی ساخته و پرداخته شده است، بعد از پیروزی اسلام الفبای رسمی زبانهای دیگر ملل مسلمان گردید. ازآن جمله فارسی زبانان‌که برای انطباق این الفبا به‌نیازهای خود چهار حرف مشابه و یا مماثل با حروف قریب‌المخرج موجود برآن افزودند: پ،چ،ژ،گ.

بدین ترتیب شمارهٔ حروف با ۲۸ حرف فوق‌الذکر به ۳۲ رسید.

لکن در حقیقت برای نمایش الفاظ، این مجموعهٔ حروف‌کافی نبود، بنابراین با افزودن علامات و قبول قراردادهائی این مشکل را تاآنجاکه ممکن بودآسان‌کردند.

چنانکه ناچار حروف الفباء با احتساب علائم و قرائن وقراردادها بدینگونه از۳۲ دست‌کم به ۴۸ رسید.

ازاین جمله است:

ـ واو معدوله یا واو مکتوب غیر ملفوظ (چون:خواستن)و در مقابل‌آن :

ـ واو ملفوظ غیر مکتوب(چون: طاؤس).

ـ های مخفی یا خفی یا غیرملفوظ یا رسمیه درمقابل های ملفوظ یا جلی. (چون نه‌بمعنی‌رقم‌معلوم‌ونه‌درمقابل بلی یا«که» به‌معنی‌کوچك درمقابل«که» به‌معنی‌کدام‌کس).

ـ حرف ی با الف مقصور.

ـ حرف‌یای‌معکوس(که‌نشان‌دادن آن باحروف چاپی ممکن نیست) دراردووهندی برای نمایش یا درانتهای کلمات که‌به‌صورت‌یای مجهول خوانده می‌شود .

ـ یای مسروقه درکلمات ترکی چون سیورسات‌که درکتابت«سورسات»اسقاط می‌شد لکن درتلفظ همچنان باقی می‌ماند.

ـ یای مجهول (درتلفظ اصیل شیر به‌معنی حیوان معلوم و پیش درمقابل پس)که تشخیص‌آن با خواننده بود.

ـ حرکات سه‌گانه فتحه وکسره و ضمه.

ـ همزه‌دراول‌کلمات‌که با مصوت شروع می‌شود بصورت الف نوشته می‌شودودر وسط وانتهای‌کلمات با علامت وشرایط خاصی مشخص می‌گردد (مأذون‌ـفائده‌ـرئیس‌ـ امراءـجاءون ـ شئیـسوءـجرأتـقرآن...)

ـ علامت مد.

ـ جزم یا سکون‌که‌به‌سه‌صورت‌نشان داده می‌شود.

ـ تشدید.

ـ نشانه‌های سه‌گانه تنوین.

* * *

رسم‌الخط زبان ترکی‌آذربایجانی براین اصول قراردارد:

۱ـ استفاده از حروف وعلائم و قراردادهای موجود در حدی‌که ضروری تشخیص داده شود.

۲ـ استفاده ازمیراث‌تجربهٔ هزارسالهٔ پیشینیان دراستفاده ازالفبای عربی درامالای الفاظ‌ترکی.

۳ـ رعایت جانب سهولت وآسان‌کردن‌کار برای نوآموزان.

درمورد رعایت اصل اول باید گفت‌که برای ادای صحیح الفاظ ترکی‌آذربایجانی نیاز به ۳۳نشانه‌است(۹نشانه‌برای نمایش‌مصوت‌ها و ۲۴ نشانه برای صامت‌هاباحتساب آپوستروف

ـ درکاربرد الفبای عربی، اشکال مهم، بخصوص درمصوتات ترکی ظاهرمی‌شود. ازحرکات (فتحه، کسره‌وضمه) درچاپ‌وماشین‌نویسی وحتی‌دستنویس‌عملا استفاده‌نمی‌شود. بنابراین درمورد ترکی‌آذربایجانی‌ـباید ازحروف علة (اـوـی) توقع ظهور، در لااقل، دوازده نقش داشت (سه صامت ونه مصوت) تازه این نقشها هم به‌طورمتساوی درمیان این سه حرف تقسیم نمی‌شود. ازاینجاست کـه مثلا حرف (و) بـه‌تنهائی باید پنج نقش متفاوت بازی‌کند: ۱ـ به‌عنوان صامت واو مانندآنچه‌که در (وارـهست) به‌کار می‌رود. ۲ـ به‌جای‌مصوت (U) چون(اون‌ـآرد). ۳ـ به‌جای‌مصوت (U) چون (اوزوم‌ـانگور).

۴ـ به‌جای مصوت (o) چون (اون‌ـرقم ۱۰). ۵ـ جای مصوت (ö) چون(گؤن‌ـچرم) یا (اؤن‌ـجلو)!

درمقابل این‌کمبود درالفبای عربی ازنظرگویشهای ترکی مقداری حروف زاید موجود است. اگرقرارشودکه ازحروف «تکراری» یا زاید استفاده نشود شمارهٔ حروف مورد مصرف به ۲۴ می‌رسد ازاین قرار: (حروف به‌اصطلاح زاید درپارانتز نوشته شده است): الف (همزه، ع)ـبـپـت (ط)ـث (س، ص) ج‌ـچ‌ـح (ه)ـخ‌ـدـذ (ز، ظ، ض)ـ رـژـشـغـفـقـكـگـلـمـنـوـی.

بدین‌گونه شاید این تصوربه‌وجود بیایدکه تنها مسئله منحصربه‌مصوتهاست‌واقلا بتوان دریك قلم‌ازهشت حرف به‌اصطلاح «زاید» (یعنی ع، ط، ث، ص، ح، ذ، ظ، ض) صرف‌نظرکرد وراحت شد وقرارگذاشت‌که‌مثلا به‌جای(اطاق) (اتاق) بنویسیم. دست‌زدن به‌چنین‌کاری ازسه جهت بی‌اشکال نیست. یکی این‌که به‌علت وجودکلمات دخیل عربی درزبان ناگزیر این حروف باید یدك‌کشیده شود وحاصل این تدابیر درمجموع چیز مهمی نخواهد شد.

ثانیاً با تغییر (اطاق)به (اتاق) رشتهٔ درازتاریخ وسرگذشت زبان ازهم خواهد گسیخت ونیزکلمات متشابه مختلف‌المعنی بیشترخواهدگشت.

ثالثاً به‌کاربردن برخی ازاین حروف درمواردی زیاد خواننده را به‌چگونگی تلفظ کلمات (بخصوص تلفظ مصوتهاکه مشکل مهمی است)رهنمون می‌تواند بشود. بنابراین به‌آسانی نباید از سر این داستان گذشت .

ـبدیهی‌است‌که‌اساس‌کتابت‌یابایدبرگویشی خاص‌استواریاشد(الفبای‌فونتیك)ویابابد کلمات را با ملاحظهٔ سوابق تاریخی وبرطبق سنت قدیم ثبت‌کرد. هریك ازاین دوروش دارای مزایا ومعایبی است. ازمدتها پیش‌کوشیده‌اندکه با درنظرگرفتن‌خصوصیات خط عربی به‌عنوان ابزاربیان مقصود به‌گویشهای ترکی تاآنجاکه مقدوراست حدوسط‌این‌دو را بگیرند یعنی روشی را اتخاذکنندکه ازشیوهٔ گفتارامروزه پردورنروند وضمناً با التزام جانب‌گویشی، ازتلفظهای‌مختلف دیگر،فاصلهٔ زیادی‌به‌وجود نیاید ورنجی‌که نویسنده و خواننده درفراگیری‌کتابت زبان‌ترکی برخودهموارمی‌سازد تنها ابزاری برای‌بیان‌مقصود وپاسخ‌گوئی به‌نیازهای محاوره‌ای وروزمره نباشد، بلکه به‌دستیاری‌آن بتواند ازآثار گذشتگان نیز بهره‌مندگردد.

بنابراین‌مراتب ناگزیرباید چون‌اعراب وفارسی زبانان واقوام دیگرعلاوه‌برحروف الفبا برای نمایش همهٔ فونمهای ترکی از علائم و قرائن و قراردادهای خاصی نیز استفاده‌کنیم.

قواعـد ذیل بـا توجه به‌این نکته و بـر اساس اصول سه‌گانـه سابق‌الذکر تنظیم شده است:

برخی نکات و قواعد اولیه

۱ـ بطوری‌که گفته شد درترکی‌آذربایجانی نه مصوت موجود است ازاین‌قرار:

(Uفرانسه) U_U_(EUفرانسه)_O_i_I_کسره_E_فتحه_A

این مصوتها به‌طورکلی‌کوتاه تلفظ می‌شود.

مصوتات به‌دوگروه تقسیم می‌شود:

این‌گروه را به‌ترکی مصوتات (قالین) خوانند:

A_I_O_U

در ترجمهٔ (قالین) مصوتات سخت یا خلفی یا پسین یا ثقیل و یا ستبر گفته‌اند.

این‌گروه را به‌ترکی مصوتات (اینجه) خوانند:

E _ E _i _O_(EUفرانسه)_U(Uفرانسه)

درترجمهٔ (اینجه)آنرا نرم یا قدامی یا پیشین یا خفیف و یا نازك گفته‌اند.

تقسیم‌بندی‌مصوتات ازنظرقانون‌مهم «هم‌آهنگی اصوات»که‌برزبان‌ترکی‌حاکم‌است کمال اهمیت را دارد .

از سوی دیگر مصوت‌ها را باز به‌دوبخش تقسیم می‌کنند:

۱ـ مصوتهای راست (دوز duz) بعبارت دیگر: «یایی» یا «پهن».

۲ـ مصوتهای منحنی (یووارلاق yuvarlak) یعنی «واوی» یا «گرد».

مقصود از نوع اول: A , E , E , I , I

و از نوع دوم: (Uفرانسه) U , U(EUفرانسه), O , O

می‌باشد. نام‌این تقسیم‌بندی برمصوتها بادرنظرگرفتن شکل‌لبها درهنگام تلفظ‌آنهااطلاق شده است. این تقسیم‌بندی نیزیکی ازمقتضیات هم‌آهنگی اصوات می‌باشد.

۲ـ تقارن صامتها چنین است:

(بـپ)، (جـچ)، (دـت)، (گـك) و (قـغ). همان‌گونه که می‌دانیم‌کلماتی راکه بااولین‌حرف‌ازحروف‌متقارن‌ختم‌می‌شود بـه‌صورت حرف‌دوم تلفظ می‌کنند یعنی در تلفظ (پ) را بـه (ب) ترجیح می‌دهند وچنین است وضع دیگـرحروف متقارن. لکن در تصریف، هنگامی‌که‌با پسوندی‌که با مصوت‌آغازشده‌ترکیب می‌گردد، حرف‌آخربه‌صورت اصلی برمی‌گردد:مـانند **سوت**(درتلفظوبه‌معنی‌شیر) وقتی‌کـه بخواهیم بگوئیم (شیر او) می‌گوئیم (سودی) وهمچنین درمورد قولاق (گوش) گوئیم (قولاغی) یعنی (گوش او).

افعال ازقاعده بازگشت به‌اصل تبعیت نمی‌کنند. مگردوفعل زیر:

ETMEK ائتمك ← ائدیر ← ائده‌جك (کردن).

GETMEK گتمك ← گئدير ← گئده‌جك (رفتن).

در هر دو مورد (ت) مبدل به (د) می‌شود ودرنگارش هم دوفعل اول را درحالت مصدری با (ت)نویسند. ولی‌درموردکلمات دیگرصورت‌اصلی‌مرجح است:«سود» به جای «سوت»نویسند.

۳ـ درزبـان تـرکی هم‌آهنگی اصوات ازاهم قـوانین است. مقصود از «هم‌آهنگی اصوات» این است: کلمه‌ای‌که با هجائی قالین (ثقیل یا ستبر)آغـازشود هجاهای دیگرآن هم دارای مصوتـات «قـالین» خواهد بود. مثال‌ـبالیق (مـاهی) یالوارماسی (اصرار و الحاح او).

همچنین است کلمهٔ آغازشده با هجای خفیف (هجائی‌که مصوت‌آن اینجه یعنی‌خفیف یا نازك است)که دیگرهجاهای‌آن‌نیزخفیف خواهدبود. مثال: اثو(خانه)که‌درجمع‌میشود: **اثولر** (خانه‌ها با علامت جمع خفیف)نه‌اثولار (با علامت جمع ثقیل که غلط است).

ـ درزبان‌محاوره‌در برخی ازلهجه‌هـای‌آذربایجان قانون هم‌آهنگی اصوات نسبت به‌زبان‌ادبی‌آذربایجان کمترمورد توجه‌قرارمی‌گیردوازسوی‌دیگردرمحاورات‌آذربایجانیهاـ درلهجه‌هـای مختلفـ هم موارد عدول ازاین قانون یکسان نیست ودربرخی ازلهجه‌هـا این قـانون بهتروبیشترمراعـات می‌شود. **درهرحال درکتابت وزبان ادبی باید حتی‌الامکان این قانون مراعات شود.**

۴ـ این حروف درکلمات ترکی بنام حروف ثقیل شناخته می‌شود:

ح‌ـخ‌ـص‌ـض‌ـط‌ـظ‌ـع‌ـغ‌ـق. ازمیان این حروف، بخصوص **ق، خ، ص** بعضاً نیز **ط** به‌علت اینکه درکلمات دخیل درتلفظ ترکی اغلب قبول حرکات ثقیل یا مصوتات «قالین» را می‌کنند، درکلمات‌اصیل‌ترکی‌استعمال‌آنها علامت‌آنست‌که مصوتات موجوددر دنبال چنین حرفی اغلب ثقیل یا «قالین» است.

بنابراین درکلمات اصیل ترکی همین‌که‌با این‌حروف روبرو میشویم‌بایدحدس‌بزنیم که‌آن‌کلمه به‌اغلب احتمال (برطبق قانون هم‌آهنگی اصوات) بطورکلی از هجاهای‌ثقیل ترکیب‌یافته‌است‌ودرآن‌ازمصوتاتE ، i ، EUفرانسه U، Oفرانسه U خبری‌نیست. پس به‌آسانی‌درمی‌یابیم‌که‌اگردرآن‌مصوت(ی)باشدباید فقط (I) یایای ثقیل (مانند قیزـدختر) خوانده شود واگر درآن مصادف با (و) بشویم میدانیم‌که یا صدای O ویا U می‌دهد وچون وجود دواحتمال‌دیـگر (یعنی‌Uو‌EUفرانسه)منتفی‌است‌آسانترمی‌توان تلفظ صحیح را حدس زد.

خلاصه‌برای‌اینکه‌بتوان‌تشخیص‌دادکه (واو)درکلمه‌ای‌چه‌صدائی‌را نشان می‌دهداز سه روش استفاده می‌کنند:

الفـ تشخیص‌کلمه لزمضمون عبارت‌که مستلزم شناسائی قبلی است. بدین‌معنی‌که

اگر«اوزوم»نویسند،خواننده ناچار باید ببیندکه‌سخن‌از(انگور)می‌تواند برود یااز (خودم) تاتلفظ واو را درهجای این‌کلمه تشخیص دهد. این‌روش‌دربرخی موارد یگانه چاره تلفظ است ، لکن‌به‌علت اشکال واضح‌آن ، به‌یاری دوروش زیرخواسته شده است‌که موارد کاربردآن را به‌حداقل رسانند.

ب‌ـبااستفاده‌ازبودن‌وحضورحرفی‌ازحروف‌صامت‌ثقیل(مثلاق‌ص‌ط)درکلمه به‌فوریت می‌توان‌تشخیص‌دادکه«واو»موجوددرهمان‌کلمه نیزثقیل است، یا O است یا U . بدین ـ ترتیب‌زحمت‌واشکال‌درست‌خواندن(اگرهم به‌کلی‌مرتفع‌نگردد) لااقل نصف می‌شود یعنی ما به‌جای اینکه‌دربارهٔ چهاراحتمال بیندیشیم، تنها پروای دواحتمال را خواهیم داشت.

ج‌ـ با استفاده ازعلایمی‌کـه بر واوها افزوده می‌شود می‌توان مسئله را حل‌کرد. این راه‌حل نیزاشکالی دارد وآن نیازبه‌حروفی است‌کـه درچاپخانه وماشین تحریرموجود نیست. به‌همین علت است‌که ازمیان همهٔ علایم‌که تاکنون‌پیشنهاد شده تنهاآن‌تعدادکه‌در چاپ وماشینهای تحریر موجود است رواج یافته (ازقبیل: همزه). ازسراین علائم‌باوجود اشکال مزبور به‌آسانی‌نمی‌توان‌گذشت وحتی درآینده‌باید برای چاپ متون ترکی مقداری ازآنها راآماده ساخت به‌ماشینهای تحریروحروف چاپی افزود.

۵ـکلماتی‌که با مصوت شروع می‌شود با همزه به‌صورت الف نوشته می‌شود: آل‌ـ اؤرت (بپوشان) وغیره.

۶ـ صدای A بـا الف نشان داده می‌شود. درابتدای‌کلمات بـه‌صورت الف و مـد می‌باشد: آل. دروسط وپایان به‌صورت(۱) نشان داده می‌شود: قالاماق (رویهم‌انباشتن).

۷ـ فتحه‌درابتدای‌کلمه‌بصورت الف‌تنهایاباهمزه(أ) نشان داده می‌شود: أل (دست) أمك (رنج).

درحـال توالی فتحه‌ها نخستین فتحه‌کـه درزبان ریشهٔ افعال می‌آید با هاء رسمیه نوشته می‌شود:

بیله‌رم (می‌دانم)،اکه‌رم (می‌کارم) همچنین‌در: ددهـدوه،(شتر) . و امثال آن فتحه اول نوشته نمی‌شود.

درصورتی‌که سه فتحهٔ پیاپی درکلمه‌ای‌بیاید معمولا فتحهٔ دوم را با هاءرسمیه‌نشان می‌دهند. مثال‌ـ گله‌جك (آینده). تله‌سیك (باشتاب).

۸ـکسره درابتدای‌کلمه به‌صورت‌الف‌وهمزهٔ‌یائی (ائ) نوشته‌می‌شود: ائله. دروسط وآخربدون الف وبه‌صورت همزهٔ یایی‌می‌آید:یئر(زمین) و دی (بگوباهمز روی‌یاء).

حکم‌کسرهٔ‌کلمات دخیل چون فتحه است و با های غیرملفوظ یا رسمیه نشان داده می‌شود: فده‌رال؛ اله‌مانتر.

۹ـ EU(O فرانسه)دراول‌کلمه‌باالف‌وهمزه‌واوی(اؤ)نشان‌داده‌می‌شود:اؤلمك(مردن).

دروسط بدون الف وتنها بصورت همزه واوی نوشته می‌شود: گؤل (استخر).

۱۰ـ U و U(فرانسه)وO درابتدای کلمه باالف و واو(او)نشان‌داده‌می‌شودوبایداز سیاق‌کلام ویا وجود حروف ثقیل صات (ق/ص/ط) آنرا حدس زد.

برای نوآموزان ودرمقام امکان‌اشتباه ویاکلمات ناآشنا به‌این قراردادعمل‌می‌شود:

U دراول‌کلمات به‌صورت (او) ودرغیران به‌صورت (و).

O دراول‌کلمات‌به‌صورت (او)ودرغیرآن‌به‌صورت (وباافزودن‌علامت جزم بر واو که‌نشان دادن‌آن فعلا ممکن نیست).

U دراول‌کلمات‌به‌صورت (او) ودرغیرآن به‌صورت(و باافزودن‌ضمه‌یاپیش‌بر واو)

کاربرداین‌علائم ، درحکم حرکات‌دراملای‌فارسی است‌که فقط درموردنوآموزان واشکال واشتباه معمول است.

۱۱ـ I به‌صورت الف‌و یا دراول وبه‌صورت(ی)درسایرموارد نوشته می‌شود: ایل (سال)، گیر (داخل‌شو).

اصولاکلمات ترکی‌آذربایجانی با I یا یای ثقیل شروع نمی‌شود، برای‌نمایش یای ثقیل دروسط ویاآخراز (ی) استفاده می‌کنند منتهی‌ازسیاق‌کلام ووجوه حروف‌ثقیل‌صات وقاعده هم‌آهنگی مصوتات حدس می‌زنند.

برای‌نوآموزان آنراباعلامت (v یـاعلامت‌جزم‌بـرروی‌یاء). مشخص‌مـی‌کنند :

۱۲ـ کلمات‌فارسی‌دخیل‌رابایدبه‌همان‌صورتی‌که درفارسی معمول است‌نوشت. مانند پریشان، جنگاور...

مگرآنکه استعمال‌آنهابا تلفظ متفاوت،آن چنان درزبان ادبی رایج باشد.که‌بتوان آنرا ازآن خود زبان‌ترکی شمرد. دراین‌مورد املای‌آن تابع‌کلمات دیگرترکی‌است‌مانند: گول (به‌جای‌گل)، باهار (بهار).

هم‌چنین است‌کلمات دخیل عربی‌که باید نوشت (اراده) و (اداره) و (مشکل) ولی باید به‌جای (مشمشع)، (موشامبا) نوشت.

ـ درکلمات‌کثیرالانتشار مصوت (I) را درکتب قدیم بدون (ی) می‌نوشتند. مانند (بر) به‌جای (بیر) به‌معنی (یك) و (بز) به‌جای (بیز) به‌معنی (ما). اکنون این‌کلمات‌را ما به‌صورت اصلی یعنی (بیر) و (بیز) می‌نویسیم.

درموردیای‌ثقیل (I) می‌توان‌آنرا درپسوندهای (سیز) و (دیر) حذف‌کردونوشت: اوندا در (پیش اوست)و قان‌سز (بی‌خون). ولی‌حذف‌نشودبهتراست.

ـ مصوتات واوی و یـائی را درآخرکلمه اغلب بـا(ی) نشان می‌دهند. گـرچه می‌توان واویها را (و) و یائیها را (ی) نیز نوشت. مثال‌ـ قوری (خشك) قورو/قوزی (بره) قوزو/گولدی (خندید) گولدو. که‌هر دوشکل درست است .

۱۳ـ مصوتهای‌آخرکلمات بدون استثنا نوشته می‌شود.

۱۴- کافهای فارسی یایی بصورت (گ) نوشته می‌شود نه (ی). بنابراین ایگیرمی درست است و دگر (قیمت/ارزش) و دوگمه (دگمه)واگری(کج) .

۱۵- درتبدلات صوتی‌که درمحاوره موجود است صورت اصلی ترجیح دارد: یامانلیق به‌جای یامانیق، لکن درمورد تورپاق ویارپاق به‌همین‌صورت نوشته می‌شود.

۱۶- قارپوز و بالدوز وامثال‌آن به‌صورت قارپیزوبالدیز می‌آید (بنابه‌قانون‌آهنگ مصوتات).

۱۷- فونم(ق) درآخر کلمات‌تك‌هجائی‌نمی‌آید: آغ (سفید)-که سابق‌براین‌بدانگونه که امروزدربرخی گویشها نیزچنین است مانعی درآوردن آن نبود چنانکه آق‌قویونلی می‌نویسیم نه آغ‌قویونلی.

این فونم-ق-اگردرآخر کلمهٔ چند هجائی قرارگیرد وآن‌کلمه با پسوندی‌که حرف اول‌آن‌مصوت است ترکیب‌شود تبدیل به(غ) می‌شود. مثال- بیچاق وبیچاغی (کارداو) قاشیق و قاشیغی (قاشق او) . درکلمات‌یك‌هجائی‌اغلب«خ»است: چوخ.

۱۸- درتبدیل (ك) به (گ) درلهجه‌های‌آذربایجان به‌آنچه‌که شایعتراست عمل می‌شود، وهردوشکل جایزاست: کئچی-گئچی (بز)، کئچمیش-گئچمیش (گذشته)، کؤچ گؤچ، گؤلگه-گؤلگه (سایه)، کؤینك، گؤینك (پیراهن).

۱۹ - به‌جای -یز/-یز/-وز/-وز. مثلادر - باشلا ییرز ... درآذربایجان به‌جای (ز) پسوند (-ق) را به‌کارمی‌برند. (ز) را درآثارادبی گذشتهٔ خود وگویشهای‌دیگرترکی می‌یابیم. مثال ازپسوند (ق): باشلاییریق (آغازمی‌کنیم). البته درمورد افعال‌که دارای هجای خفیف است به‌جای (ق) حرف (ك) می‌آید: گلیریك (می‌آییم).

به‌جای‌سنز-درمحاوره سیز/سوز/سوزگویند. برای تندنویسی‌آن را (سز) نیز می‌نویسیم: آلمالیسنز (گرفتنی هستید).

۲۰- مضارع-باافزودن (ر/ار/یار) مثال: گئدر (می‌رود)-آلار(می‌گیرد)-اوخویار (می‌خواند).

- زمان حال با افزودن (ور/یر) مثال: اوچور (می‌پرد)-گلیر (می‌آید).

پس صورت«گلی» به‌جای«گلیر» فقط‌درمحاوره‌است ودرزبان نوشته جای ندارد . صورت«گلیری» نیزدرزبان ادبی‌و نوشته جای چندانی ندارد.

***

ازمجموعه بیش ازصدقاعده چند قاعده بعنوان ابزاردست نویسندگان تقدیم گردید. مسائل دیگرمربوط به‌املا را (بامراجعه‌به‌کتابها ومقالات وازراه بحث وجستجوواستفاده از مطالعات‌وپژوهشهای‌فراوان‌زبان‌مان که‌انجام گرفته‌ومی‌گیرد) می‌توان به‌مرورطرح و حل‌کرد.

پایان

ازدکتر جوادهیئت:

تأثیر تمدن اسلام درپیدایش تمدن غرب

درآغاز سخن باید یادآور شدکه مقصود ازتمدن غرب مجموعه‌ی آداب ورسوم اقوام آریائی نبوده بلکه مجموعه معارفی است شامل علم وصنعت امروزی اروپا که منشاء واساس آنها نه ازفرهنگ غربی بلکه ازمعارف اسلامی سرچشمه گرفته است. نگاهی بتاریخ تمدن اروپا ومقایسه آن باتاریخ تمدن اسلام این نکته را بخوبی روشن میسازد. دراین مقایسه ونتیجه‌گیری سعی خواهد شد از گفته ها و نوشته‌های خود غربی‌ها گواه وشاهد آورده شود ومنابع دانشمندان مسیحی مورد استناد قرار گیرد. قبلا لازم است برای‌اطلاع وروشن شدن ذهن خوانندگان مختصری ازمقام ومنزلت علم وعالم‌که پایه‌های اساسی تمدن امروزی راتشکیل میدهد اززبان قرآن وخود پیغمبر اسلام یادآوری شود وبعد مواردی ازاکتشافات ومعارف اسلامی که درپیدایش تمدن غرب موثر بوده‌اند بعنوان مثال ذکر شود.

بااینکه دردین اسلام همه‌ی ملل وافراد بطور مطلق مساوی وبرابرند معهذا درقرآن کریم بین عالم وجاهل فرق گذاشته شده است.

آیه‌ی شریفه‌ی زیر این مسئله را بخوبی روشن میسازد :

«هل‌یستوی‌الذین یعلمون والذین لایعلمون، هل‌یستوی‌الظلمات والنور، هل ـ یستوی الاعمای والبصیر، ام‌کیف یستویان.» (آیا برابرند کسانیکه علم دارند با کسانیکه علم ندارند آیا نور وظلمت برابرند، آیا کور وبینا یکسانند. چگونه می‌توانند یکسان باشند.)

اولین دستور الهی برای پیغمبر اسلام باکلمه‌ی بخوان (اقرء) آغاز میشود و خداوند درقرآن کریم بقلم و آنچه قلم مینویسد سوگند یاد میکند. تنها دینی که علم رااز عبادت هم بالاتر وپرارج‌تر میداند اسلام است. چند نمونه از احادیث نبوی این نکته را بخوبی ثابت مینماید.

ـ تحصیل جهاد مقدس است.
ـ دانشمندان دردنیا معتمد خدا ووارث پیغمبرانند.
ـ عالمی‌که ازعلمش استفاده شود ازهزار زاهد اولی‌تر است.
ـ درجه علم بالاترین درجات است.
ـ مرکب دانشمندان وخون شهیدان سنجیده شد اولی سنگین‌تر آمد.
ـ هرچیزی راهی دارد. راه بهشت علم است.
ـ فقری بدتر ودهشتناک‌تر از جهل نیست.
ـ گرانبهاترین میراث برای فرزند تحصیل نیك است.
ـ عالم باش ویاشاگرد ویاشنونده ویادوست عالم، زینها غیراز اینها مباش که نابود میشوی .

حضرت علی (ع)دراین‌موردمیفرماید :الناس معلم او متعلم‌والباقی‌کالهمج

(مردم یاممعلم‌اند ویا شاگرد وبقیه درحکم هیچ...)

این نکته نیز لازم بتذکر است که آنچه راغربی‌ها تحت عنوان تمدن عرب بررسی میکنند تمدن اسلامی است‌که درساختن آن ایرانیان وترکان بیش از سایر ملل مسلمان سهیم بوده‌اند (آصف فیضی مولف هندی)

حال شایسته است نظری بتاریخ بیفکنیم:

شاید نیازی بیادآوری نداشته باشد که کاغذ مهمترین وسیله‌ی ثبت و ضبط اندیشه‌ها وتراوشات ذهنی وبعبارت دیگر علم ومعرفت انسانی است. برای نوشتن وچاپ مقاله وکتاب وقراردادن آنها دراختیار مردم وجود کاغذ بمقدارزیاد وبقیمت ارزان ازضروریات است. این وسیله‌ی گرانبها که حالا بقیمت ناچیز دردسترس همگان است بوسیله مسلمانان ساخته شده واز شرق به اروپا رفته ودراختیار غربیها قرار گرفته است. گرچه چینی‌ها ازسال ۱۰۵ میلادی ازپیله کرم ابریشم موفق به ساختن کاغذ شده بودند لیکن بعلت گرانی وانحصار صنایع ابریشم بچین وآسیای میانه کاغذ چینی بکشورهای غربی راه نیافت . پرفسور ژاك ریسلر استاد مؤسسه اسلامی پاریس درکتاب تمدن عرب چنین مینویسد: «شك نیست‌که کاغذ یکی از بهترین نعمتهائی است‌که اسلام باروپا آورده است. مسلمانان صنعت کاغذ سازی را از خمیرکتان درسمرقند آموختند وبعدپنبه‌ای راکه درالجزایر ومصر فراوان‌بود جانشین آن کردند بدین ترتیب فتح سمرقند (۷۱۲ میلادی) رامیتوان مبداء تاریخ پخش کاغذ دردنیا بشمار آورد .

اولین کارگاه کاغذسازی درسال ۷۹٤ دربغداد ایجاد شد بعدازآن درمصر و بعد درقرن ۱۲ میلادی دراندولس کارخانه کاغذ سازی خدیو برپا شد، قسمت غربی اروپا کاغذ خودرا ازاین کارخانه تامین میکرد درحالیکه کشورهای اروپای شرقی کاغذرا ازشام وارد می‌کردند.

«ویل‌دورانت» مؤلف کتاب تاریخ تمدن دراین‌باره چنین .می‌نویسد : اولین کارگاه کاغذسازی درسال ۷۹٤ دربغداد توسط الفضل برمکی (ایرانی) تاسیس شد و اصول کاغذسازی بوسیله مسلمانان به سیسیل واسپانیا برده شد وازآنجا به‌ایتالیا وفرانسه راه یافت. باتدارك کاغذ اران وزیاد تهیه کتاب بمقدار فراوان آسان‌شد. بطوریکه درقرن دهم میلادی درکتابخانه صاحب‌ابن عباد وزیر دیلمیان در قرن دهم میلادی به‌اندازه مجموع کتابهای کتابخانه‌های اروپا کتاب بود و بقول گوستاولوبن درکتابخانه الحکم دوم خلیفه اموی (قرطبه) ششصد هزار جلد کتاب بود درصورتیکه درچهارصدسال بعد درکتابخانه سلطنتی شارل پنجم پادشاه فرانسه بیش از نهصد جلد کتاب نبوده است.

گوستاولوبن میگوید کاغذ اسلامی دوران‌جدیدی‌درتمدن جهانی بازکرد وباید درنظر بیاوریم که اگر میراثهای اسلامی مانند کاغذ وباروت وقطب‌نما نبود نهضت رنسانس ماچگونه میتوانست شکل بگیرد اگر مسلمانان نبودند رنسانس علمی ما قرنها به تاخیر می‌افتاد.

چاپ کتاب ومطبوعات نیز ریشه اسلامی دارد پرفسور ریسلر دراین باره چنین مینویسد: اهل صلیب فن چاپ باسمه‌ای قالبهای چوبی را بروی پارچه‌ها در مصر ازمسلمانان آموختند واین فن پایه‌ی چاپ رادر اروپا تشکیل داد. درآنزمان فن چاپ باسمه‌ای دراندولس هم پیشرفت کرده بود درقرطبه منشی عبدالرحمان اسناد رسمی رابا وسائلی که ماهیت آن هنوزهم برما کشف نشده تکثیر می‌نمود. از قرن ۱۹ باینطرف بسیاری ازدانشمندان غربی باین حقیقت فراموش شده تاریخی اعتراف نموده‌اندکه اساس تمدن امروزی مدیون فرهنگ قدیم یونا نوروم نبوده بلکه از تمدن درخشان اسلامی سرچشمه گرفته است (پرفسور گوتییه استاد دانشگاه‌الجزایر، کتاب اخلاق وآداب مسلمانان)

حال مختصری درباره‌ی شعب مختلف علوم بحث میکنیم وسخن خودرا با علم پزشکی آغاز مینمائیم: پرفسور ریسلر دراین‌باره چنین اظهار می‌نماید: مسلمانان درپزشکی بالاترین موضع ومقام رابدست آورده وبیش از پانصد سال درراس پزشکی جهان قرارگرفتند. بنابروایتی از پیغمبر اسلام پزشکی والهیات اساسی ترین شعب علوم راتشکیل میدهد. تعداد احادیثی‌که مجموعاً طب نبوی راتشکیل میدهند بالغ بر سیصد حدیث است. این احادیث بیشتر درباره اعتدال وامساك درغذا ورعایت اصول بهداشتی است مثلا یکی از آنها چنین است: اگردرجائی طاعون بروز کردواردآنجا نشوید واگر درآنجائید ازآنجا خارج نشوید. این دستور اساس قرنطینه‌ی امروزی رابرای جلوگیری ازسرایت مرض تشکیل میدهد.

ریسلر میگوید پزشکان مسلمان بعداز ترجمه وآموختن طب بقراط وجالینوس به‌آنها اکتفا نکردند بلکه اصول مشاهده شخصی وتجربه بالینی رابرای تشخیص و درمان انتخاب کردند وازآن تاریخ پزشکی ماهیت علم تجربی راپیدا کرد. علی‌ابن عباس پزشك عالیقدراسلامی می‌نویسد بررسی وتحقیقات اواز بیمارستانهاجمع‌آوری شده وازآن ببعد درمدارس اسلامی دانشکده های فنی وپزشکی وآزمایشگاه دایر شده است .

بنابگفته ویل دورانت درسال ۷۰۴ میلادی نخستین بیمارستان اسلامی بنام (بیمارستان) درشام تاسیس شد ودرسال ۹۷۸ هیئت پزشکی این بیمارستان را ۲۴ پزشك تشکیل میداد. تدریسات پزشکی‌دربیمارستان انجام میشد وبدون امتحان وگرفتن شهادت‌نامه (دیپلم) کسی حق‌اجرای طبابت نداشت. در زمان هارون‌الرشید دربغداد نخستین بیمارستان تاسیس شد ودرقرن دهم میلادی پنج بیمارستا ندیگر در آنجا دایر شد. بنظر میرسد درساختن این بیمارستانها از بیمارستان دانشگاه جندی‌شاپور بعنوان نمونه استفاده شده است. پرفسور ژرژ ریوار درکتاب چهره اسلام میگوید پزشکان اسلامی بیشترین پیشرفت رادر جراحی بدست آوردند آنها درقرن یازده میلادی عمل‌آب مروارید (بادرآوردن عدسی) وعمل سنگ مثانه (باخردکردن سنگ) وکوتریزاسیون (داغ کردن) راانجام میدادند وبرای بیحسی وبیهوشی از گیاه مخصوصی مانند گندم تلخه ivraie و خشخاش استفاده میکردند . ابوالقاسم خلف‌بن عباس قرطبه‌ای بسیاری ازآلات جراحی راابتکار کرده ودرجراحی بکاربرده است.

داروسازی وتدقیق علمی موادیکه درپزشکی برای درمان بکار میرود اساسش اسلامی است. ویل‌دورانت معتقد است‌که ابن‌سینا بزرگترین مؤلف ورازی بزرگترین پزشك وجابر بزرگترین شیمیست قدیم بشمار میرود. آثار ابن‌سینا ورازی پایه پزشکی امروزی را تشکیل داده وقرنها درمدارس پزشکی غرب کتاب درسی بوده است. درکتاب اخلاق وعادات مسلمانان پرفسور گوتی‌یر آمده است‌که اروپای قرون وسطا و رنسانس بیش از بقراط و جالینوس پیرو پزشکان اسلام بود. رازی (۹۳۲ـ۸۵۰) مدت پنجاه سال دربغداد طبابت نمود آثار اودر قرنهای ۱۶ تا۱۸بارها بلاتین ترجمه شد. ابن سینا سلطان پزشکی محسوب میشود واز رازی هم مهمتراست. کتاب قانون اوبه اغلب زبانهای اروپا ترجمه شده تاقرن ۱۷ کتابهای این دومؤلف اساس تدریسات پزشکی را تشکیل میداد. ترجمه کتاب قانون مدت قرن کتاب درسی دراروپا بود وبگفته‌ی ریسلر کتاب مقدس پزشکی شده است.

آثار رازی درباره آبله وسرخك درنتیجه مشاهده وبررسی مستقیم بیماران و تحلیل بالینی نوشته شده واین‌اولین اثر علمی درباره بیماریهای عفونی است . ترجمه انگلیسی این دواثر درطول قرنهای ۱۵و۱۹ چهل‌بار چاپ ومنتشرشده است.

علم پزشکی وطبابت ازمکاتب اسلامی ازطریق مکتب پزشکی سالرن ایتالیا و مکتب مونت‌پلییه فرانسه باروپا راه یافت. مکتب سالرن درقرن نهم میلادی بوسیله شارل‌ماین تاسیس شد ومدت سه قرن مرکز پزشکی اروپا بود.

ریاضیات نیز مانند پزشکی یك اثر اسلامی است. . پایه‌ی ریاضیات و علم حساب روی ارقام اعشاری وصفر گذاشته شده . دراروپا تااواسط قرن ۱۳ میلادی بجای اعداد ریاضی از حروف الفبای لاتین استفاده میشد مثلا بجای یك I و بجای دو II و بجای سه III بجای ۵ حرف V و بجای ۱۰ حرف X و بجای ۱۰۰ حرف C بکار برده و به اینهاارقام رومی گفته میشد برای حساب از نوعی‌چرتکه‌استفاده میشد. ریسلر وسدیلوت وویل دورانت معتقدندکه ارقام اعشاری وصفر ساخته مسلمانان است واولین بار درقرن نهم‌میلادی بکارگرفته واشتباها ارقام هندی نامیده شده است. درسال ۹۷۶ ابن‌احمد درکتاب مفاتیح‌العلوم پیشنهاد کردکه اگر در خانه عشرات عددی موجود نباشد برای حفظ ترتیب دایره‌ی کوچکی گذاشته شود این دایره بعربی صفر (خالی) نامیده شد و در ترجمه‌ی لاتینی و ایتالیائی زرو Zero نام‌گرفت. کلمه‌ی شیفر Chiffre بمعنی عدد نیز از همین‌جا پیدا شد. بعقیده گوتی‌یر نام اقلیدس بزرگ مینماید ولی استاد ریاضیات غربی‌ها مسلمانانند.

پرفسور سدیلوت متخصص تاریخ مقایسه‌ای ریاضیات قرن ۱۹ درکتاب خود میگوید چون مسلمانان درعلم هیئت کار میکردند علاقه‌ی آنها بریاضیات یك امر طبیعی بود و دراین باب کوشش زیادی از خود نشان دادند بطوریکه میتوانیم‌آنهارا استادان خود بدانیم آنهانه‌تنها درحساب وهندسه وجبر بلکه دراوپتیك ومکانیك نیز به پیشرفتهای مهمی نایل شدند.

آرتورپلگرن عضو آکادمی علوم مستعمراتی درکتاب (اسلام دردنیا) چنین مینویسد: دانشمندان مسیحی قرون وسطی ریاضیات رااز مسلمانان آموختند ولی دیری نگذشت‌که از استادان خود جلوتر رفتند. مهمترین ریاضی‌دان‌های اسلامی اینها بودند :

الخوارزمی (محمدبن موسی) ۸۵۰ـ۷۸۰. زرقانی‌که درقرن یازدهم می‌زیسته واسطرلاب رااختراع کرده است. محمدالبطانی متوفی در۹۲۹ میلادی که حرکات خورشید وماه رامحاسبه وثبت نموده است. عباس‌ابن‌فیناس که موفق بساختن بلور

شد وطیاره‌ای ساخت‌که مسافتی رادرهوا پیمود. ازهیئت شناسان از ابویونس و ابوالعباس فرغانی نام میبرد . ویل دورانت درباره خوارزمی میگوید در تکامل پنج رشته علمی خدمات گرانبهائی کرده است اولا ارقام عربی- هندی راتدقیق کرد و زیج یاجدول کوسموگرافی راتهیه کرد.

قدیمی‌ترین جدولهای مثلثات اثر اوست. با همکاری شصت و نه دانشمند دایرةالمعارف جغرافیائی رابرای مامون خلیفه تهیه کرد. درکتاب جبر ومقابله خود تحلیل و راه‌حل‌های هندسی معادلات درجه دوم رانشان داده است. گرچه‌متن‌عربی‌این کتا بمفقود شده ولی ترجمه لاتینی آن ازقرن ۱۲تا۱۶ دردانشگاههای اروپا ماخذ و کتاب درسی بوده و یدینوسیله کلمه‌ی الجبر بشکل الژبر وارد کتابهای اروپائی شده است. تطبیق جبر به هندسه نیز درقرن نهم میلادی توسط ـثابت‌ابن قره انجام شده است .

پرفسور گوتی‌یر میگوید وقتی حرکت تکاملی تمد نااسلامی متوقف شد ما اروپائیان بااستفاده ازدستاوردهای تمدن اسلامی شروع بساختن تمدن جدید کردیم و این یادآور مسابقات و دوندگانی است که دریونان قدیم (مسابقه ماراتون) مشعل مقدس رادست بدست می‌سپردند .

ویل‌دورانت ،درباره علم‌مثلثات مینویسدکه بطانی‌بجای راه حل مربعی‌بطلیموس راه حل مثلثی رااقامه کرد وبجای وتر (هیپارك) جیب (زاویه سینوس) را قرار داد ونسبت های متداول امروزی راارائه کرد.

در علم هیئت نیز مسلمانان ترصد ، مشاهده و تجربه را اساس‌کار وتحقیقات خود قرار دادند وبه پیشرفتهای چشمگیر نائل شدند. هیئت نخستین رشته‌ای بودکه نظر دانشمندان اسلامی‌رابخود جلب نمود. خلفای بغداد واندولس وسلاطین، سلجوقی وایلخانیان مغول وتیموریان علاقه‌ی خاصی بهیئت وستاره‌شناسی نشان میدادند ودر اغلب شهرهای بزرگ اسلامی رصدخانه‌های بزرگی برپا نمودند. مشهورترین آنها رصدخانه‌های بغداد، قاهره، قرطبه، تولدو، سمرقند ومراغه بوده است. ویل‌دورانت دراین‌باره میگوید: مامون خلیفه هیئتی رامامورترصد وساختن زیج نمود تااکتشافات بطلیموس رابررسی ولکه های خورشید راتحت مطالعه قرار دهند این دانشمندان به کروی بودن زمین معتقد بودند ووضع خورشید رادر پالمیر (درسوریه) و سنجار (در الجزایر) درآن واحد ثبت وزاویه عرضی رااندازه‌گیری کردند، مساحتی‌که بدست آمد ۵۶⅔ میل یعنی نیم میل بیش ازمحاسبه امروزی درآمد. بانتایجی‌که بدست‌آوردند محیط زمین ۳۵ هزار کیلومتر بود. این دانشمندان کاملا علمی کار میکردند و چیزی راکه باتجربه به اثبات نمیرسیدنمی‌پذیرفتند . کتاب هیئت‌ابوالفرغانی که در سال ۸۶۰ میلادی تالیف شد دراروپا وآسیای غربی هفتصد سال مأخذ علمی بود.

ویل‌دورانت درباره‌ی ابوریحان بیرونی مینویسد این دانشمند بکروی بودن زمین اعتقاد کامل داشت وجاذبه زمین راکشف وثبت کرد وبعقیده وی اساس هیئت رامیتوان برمبنای حرکت وضعی ودورانی زمین بدور خود وخورشید ویابرعکس توضیح وتوجیه نمود :

بنظر ریسلر اصطرلاب بوسیلهٔ مسلمانان اختراع و ساخته شد و در قرن دهم میلادی باروپا آورده شد و تا قرن هفدهم از طرف دریانوردان مورد استفاده قرار گرفت بعلاوه آثار و کتب دانشمندان اسلامی در اسپانیا از عربی بزبان لاتین ترجمه شد و قرنها کتب درسی و مطالعه اروپائیان قرار گرفت .

موسیقی نیز در دوران طلائی اسلام پیشرفت فوق‌العاده‌ای نمود و بصورت یکی از رشته‌های ریاضیات مورد بررسی قرار گرفت. بنظر اغلب مؤلفین اروپائی منشاء موسیقی اسلامی را موسیقی قدیم ترکستان و موسیقی کولی‌ها تشکیل میدهد. در قرن پنجم میلادی عده‌ای از کولی‌ها بدعوت بهرام پنجم از هند بایران آمدند و بدین ترتیب موسیقی کولی وارد ایران شد. در قرن نهم میلادی زریاب موسیقی‌شناس معروف اسلامی که از اکراد موصل بود این موسیقی را بقرطبه برد. در قرن دهم میلادی فارابی (ابونصر محمدبن طرخان ابن‌اوزلوق اهل فاراب ترکستان) فیلسوف و موسیقی‌شناس بزرگ اسلامی این آهنگها را بشکل علمی تدوین نمود. فارابی در کتاب الموسیقی خود نظریات غلط فیثاغورث را در بارهٔ منشاء آسمانی (آهنگ کرات آسمانی و ستارگان) موسیقی را رد کرد و برای اولین بار تولید اصوات موسیقی را با هتزاز هوا و طول موج این اهتزازات مربوط نمود در سایه این کشف تجربی فارابی موفق به ثبت قواعد مورد نیاز در ساختن ابزار موسیقی شد. در نتیجه این پیشرفتها موسیقی در اسپانیای اسلامی و پرتقال متکامل شد .

بنابنوشته‌ی ویل‌دورانت مسلمانان از قرن هفتم ببعد شروع بنوشتن آثار موسیقی مبنی برقواعد نمودند و نت‌های اسلامی ارتفاع و مدت صداها را نیز ثبت مینمود درصورتیکه نظیر اینگونه آثار تاآخر قرن دوازدهم دراروپا ناشناخته بود. بنابراین موسیقی اروپائی از قرن ۱۲ ببعد تحت تاثیر موسیقی اسلامی تشکیل شده است .

دربارهٔ ادبیات نیز وضع بهمین منوال است. شارل میلز مؤلف انگلیسی در کتاب تاریخ محمدیسم چنین مینویسد : ادبیات از راه ایتالیا و اسپانیا بسایر نقاط اروپا انتشار یافت. رمانهای قدیم اسپانیا تماماً تحت تاثیر افکار اسلامی نوشته شد ، مفاهیمی مانند شرف جذبه‌ی عشق ، آهنگ ممزوج اندیشه و احساس، ظرافت افسانه‌ای عرف و عادات و سجایای زنان در اشعار شعرای مردمی فرانسه همانند شعر شرقی است. قافیه نیز با اشعار اسلامی بغرب آمده است. قهرمانان اسلام در نوشتن داستانهای شوالیه‌ها نیز الهام‌بخش بوده است ژ. بارو در ۱۸۴۲ درکتاب تاریخ سیاسی ملل مسلمان می‌نویسد که اسلام روح مردانگی را بادین پیوند داد و این روح در ادب تمام ملل مسلمان نمایان شد و بوسیله آنها به اروپائیان رسوخ نمود. ریسلر در این باره میگوید که در اندولس شعر بصورت ابتلای همگانی درآمده بود حتی امرا و حکام نیز شعر میسرودند. از قرن هشتم میلادی عشق افلاطونی و احساسی موضوع عمده شعر عرب را تشکیل میداد. در اواخر قرن یازدهم این موضوع از جنوب فرانسه به اروپا آمد شعرای مردمی فرانسه مغنی‌های زجاجله قرطبی را تقلید میکردند.

رمانهای قهرمانی اسپانیا و قصه‌ی دون‌کیشوت هم منشاء اسلامی دارند بعقیدهٔ

سروانتس نویسنده داستان اصل قضیه بعربی نوشته شده است.

کمدی الهی دانته نیز بسیاری ازصحنه‌های زیبای خودرا مدیون فیلسوف و متصوف اسلامی‌ابن عربی است. قسمتهای جالب وافسانه‌ای بهشت وجهنم این منظومهٔ جاودانی پراز تصاویر ادبی اسلامی است .

درقسمت معماری نیز غرب مدیون اسلام است. مسجد اولین نمونهٔ هنراسلامی است ونخستین نمونه آنرا پیغمبر اکرم درمدینه شخصاً طرح‌ریزی کرده است. مسجد سعادت درزمین مربعی بطول ۵۰ متر بانظر مستقیم پیغمبر ساخته شد ابتدا دراطراف این زمین دیواری ازآجر گل‌رس ودرخت خرما کشیده شد بعد درضلع جنوبی آن دری گذاشته شد ودرمجاور ضلع دیگر اطاقهائی برای زنان پیغمبر ساخته شد. در شمال حیاط سقفی برای جلوگیری از تابش مستقیم آفتاب وباران ساخته‌شد. پیغمبر اصحاب خودرا دراین حیاط روی قالی میپذیرفت ونمازهم درهمین‌جا برگزار می‌شد. برای نشانه‌گذاری قبله درب ضلع جنوبی بطور برجسته‌ای بسته شد ودر دیگری در یکی از دیوارهای حیاط باز شد. از آن ببعد این برجستگی نمایانگر قبله بنام‌محراب نامیده شدودرساختمان مساجد بعدی تکرارشد. هنر معماری همراه مساجد وبناهائیکه بعدها دربلاد مختلف اسلامی ساخته میشد پیشرفت میکرد ودرهر منطقه و زمانی تغییرات تکاملی درآن ظاهر میشد معهذا درمیان همه‌ی آنها مشابهت اساسی‌که ملهم ازاسلوب وعنعنه‌ی اسلامی بود دیده میشد .

پرفسور ژ . پ . رو. درکتاب‌اسلام درغرب‌درمورد تاثیر معماری درساختمان کلیساهای بزرگ اروپاچنین‌می‌نویسد: درساختمان کلیساهائی‌نظیر سانتارماریا بلانکا درشهر تولدو دراسپانیا اشکال معماری اسلامی بکار رفته است. دراین کشور ضمن تقلید ازمعماری اسلامی گاهی درساختن کلیسا وابنیه‌ی تاریخی اسرای مسلمان نیز بکار گرفته شده‌اند. ازمناره‌های مساجد برای ساختن برجهای زنگ کلیسا استفاده میشد . بنظر میرسد معماری نظامی اروپا نیز از تقلید معماری نظامی اسلامی بوجود آمده و نتیجه مشاهدات اهل صلیب در جنگهای صلیبی است مثلا استحکامات اگومورت باالهام ازاستحکامات دیمات مصر ساخته شده. درمعماری شهری نیز غربی‌ها خیلی چیزها ازشرق مسلمانان آموخته‌اند مثلا درساختن آپارتمان و بناهای چند طبقه‌ای وتهویه هوای سرد وسیستم آب رسانی بداخل منازل مسلمانان مدتها قبل‌از اروپائیان پیشقدم بوده‌اند.

درمورد لباس وقیافه ظاهری نیز غربی‌ها ازشرق اقتباس وتقلید نموده اند. لباس رومیها ویونانیان قدیم مانند شمال افریقا منحصر به پیراهن واحرام بوده و لباس بشکل کت و شلوار و چکمه و پوتین وکلاه از آسیای‌میانه به‌اروپا رفته است. این حقیقت تاریخی درنتیجه حفریاتی‌که درقرن ۱۹ میلادی توسط هیئتی مرکب از محققین انگلیسی وفرانسوی وآلمانی درترکستان انجام شد معلوم گردید دردیوارهای معابد وبناهای قدیمی ترکستان نقاشی‌های رنگی ازمردان وزنان برروی گچ نمایان گردیدکه تمام‌خصوصیات لباسهای‌امروزی رانشان‌میداد. پرفسور فن‌لوکوک نمونه‌های این نقاشیهارا دراطلس رنگی در۱۹۲۵ دربرلن انتشار داد.

درنتیجه تماس مداوم وتاثیر فرهنگ وتمدن اسلامی درزبان ولغت غرب نیز بسیاری ازکلمات واصطلاحات شرقی وارد شده که اگر بخواهیم نمونه‌هائی ازآنها را در اینجا نقل کنیم سخن بدرازا خواهد کشید لهذا فعلابهمین مختصر قناعت‌نموده ونتیجه میگیریم که تمدن امروزی غرب نه محصول احیای تمدن قدیم یونان وروم است ونه ابتکار شخصی اروپائیهاست. این تمدن ادامه‌ی همان تمدن ومعارف اسلامی است‌که ازنیاکان مابه اروپای عقب مانده قرون وسطائی نفوذ نموده ودر دست‌های تازه بکار افتاده‌ی آنها بکار گرفته شده وتکامل وپیشرفت حاصل نموده و بشکل امروزی درآمده است .

سهنددن حمزة اوغلونا

بو شعر، داغستانین بؤیوك شاعـری رسول حمزه‌تـوف ایرانـا گلنده، اونا خطاباً، اونودولماز خلق شاعریمیز مرحوم سهند طرفدن دئیلمیشدیر. سهند بوشعرینده فاشیست و خلق دشمنی اولان پهلوی رژیمی‌نین یاراتدیغی خفقانی گؤزل و بدیع بیردیلله ترسیم اتمیشدیر.

خوش گلیبسن
قافقاز زیروه‌لری‌نین قارتالی
شامیل دوروشلو
هر سحر
گونشین باکره تللریله
قوجاقلاشان سیلدیملارین
جیراتی باخیشلی
داغ چیچگی نفس‌لی
اوزان نغمه‌لی
مارال غمزه‌لی
شعر تانری‌سنین «رسولی »
رسول حمزة اوغلو
«وورغون» محبت‌ایله
«شهریار» حشمتیله
«کؤراوغلو» بابامین
قیر آتیله سنی قارشیلاردیم
قورقوت ده‌ده‌مین
قوپوزوندا بویونوچالاردیم
اگر.....
هله لیك،
من،
سهندین

یاخیلارکن فقط عطرینی ساچابیلن
یار پاقلارینی شاخدا قووور موش
یولوشانی (ریشه‌گل‌کوهی ویا چؤل اوتی)
آنجاق دئیه بیلیرم
عزیزیم
نغمه داشیم
خوش گلمیسن

دوشونمك،
دوشو نورەم
دوشو نممیرەم
ساکی ایسته بیرەم دوشونم،
دوشو نممیرەم
دویغولاریم قول بوداقدیر
دوشو نممیرەم
بیلیرسن
دوشونمك یاساقدیر
نه ائدیم
هاراگئدیم
یراوزو بوزلوقاردی

دؤرت چورەم (اطرافیم) دیواردی
دیوار لار قاف داغی
بایبردا کؤپك‌وار
گؤزلری قان چاناغی
قاپیلار باغلانیب
خندقه صوباغلانیب
نه اولدوزوار
نه آی
هارای‌هارای
نه یولداش قالیب نه‌کمك
تکم، تك
یرگؤی باش آتیب یاتیب
یوگوره‌ك آیاقلارا قلم باتیب

سحرین آغ چادیرین
دوغراییبلار دوغراق دوغراق
پولوك یاپیپ
ییغیبلار قالاق قالاق
پولوکلر قارانفته باسیلیب
وای ایندی چاخماق‌چاخاجاقلار

اودووروب منی یاقاجاقلار

قوی قاناریبه (چنگل) آسلانیم
قوی شیشه تاخیلیم
قوی یانیم یاخیلیم
اودومدان الووقالخا
گؤرنلر گؤره باخا
جیزرانتیمی (یانان اتسسی) ائشیده‌لربلکه
ائشیدیب‌دوشونه‌لر بلکه
انسان یا خیرلار!
***
(غافیلدن بیرسس)
باغیریر
دییه سن منی چاغیریر
هی.....
ای بابا.....ای
نه قویوب نه آختاریرسان
تیکانلیق صووارپرسان
«دوشون گؤر»نه واخدیر!؟
(غافیلدن سسه‌خطاب)
داها بیر سس،
نه دئدین!؟
«دوشونمك؟!»
یوخ یوخ
ساغین (زینهار)

***
قوی‌بیدیر بیدیر بیدارلانیم (تکه پاره‌اولوم)
باش آپارما چوخ
یاساقدیریاساقدیر.

آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

(۸)

یازان: دکتر جواد هیئت

آذری ادبیاتندا تجدد دوری: ۱ - معارفچی‌ره‌آلیست‌ادبیات :

نادرشاهین قتلیندن (۱۷۴۷) صونرا شمالی آذربایجاندا کیچیك و یاری مستقل خانلیقلار تشکیل تاپدی گرچه آغامحمد خان زمانیندا ایران حاکمیتی قیصابیرمدت بو منطقه‌لرده‌ینی‌دن برقرار اولدی لکن اونون ئولوموندن صونرا بورالاردا داخلی کشمکش لرله‌برابر روس نفوذودا آرتماغا باشلادی و نهایت ۱۸۱۲ده گلستان و بالاخره ۱۸۲۸ ده ترکمن‌چای قراردادلاریله شمالی آذربایجان آنا وطندن آیریلاراق روسیا یا ملحق اولدی و آراس نهری آذربایجانی ایکی‌یه بؤلدی !

تزاری روس رژیمی آذربایجاندا کیچیك خانلیقلاری انقیاد آلتینا آلدیقدان صونرا اونلاری‌اورتادان‌قالدیرماغاباشلادی‌وداخلی حربلره صون‌وئردی، عینی‌زماندا ئولکه‌نین خام ماده‌لرینی‌آلاراق مقابلینده روس‌مالارینی اورایا سوق ائدیب، فئودال حیاتا واونون باغلی اولدوغو اقتصادی سیستمه و ایرانین مدنی تأثیرلرینه قوتلی ضربه‌لروواردی. تزاری روس رژیمی‌نین اقتصادی وسیاسی استثمار وفشارلارلا یاناشی روس دیلی وفرهنگی ده آذربایجاندا یاییلمایا باشلادی‌و آذری جوانلاری اروپا داکی مدنیت و آزادلیق جریانلارینی اوخویوب ئوگرنمك و حتی منیمسه مگه باشلادیلار.

بیرطرفدن ینی‌مدنیتین تأثیری، اوبیرطرفدن تزارحکومتی ویاچاریزم استعماری‌نین عکس‌العملری اجتماعی فکرده ، شعورلاردا اویانما و ینی‌لیك یارادیردی. بوشرائطده

ظهور ائدن معارفچی رەآلیست منورلر دموکراتیك و مترقی فکرلری، ینی ادبی شکل و نوعلرینی آذربایجان ادبیاتیناکئچیرمگه چالیشیر دیلار.

بوجریانامنسوب یازیچیلار، معاصرحیاتی، اجتماعی توقوشمالاری ، خلق معیشتینی تصویر ائدیر ، کهنه معیشتی تنقید ائدیر دیلر. خلقه ، وطنه حدسیز محبت و صداقت، انسانپرورلیك و آزادیخواه‌لیق، فشارا قارشی‌مبارزه، فئودالیزم قورولوشوندا کی معایبی افشاء و تنقیدائتمك‌بوادبی جریانین‌اساس ائدئولوژیك استقامتینی تشکیل ائدیردی.

ساتیرا (هزل و هجو) معارفچی رەآلیست یازیچیلارین اساس یارادیجیلیق (هنری) اصولوایدی. بو یازیچیلار ساده و رەآلیست بیر دیلله خلق کرتله‌اری‌نین خیرینی مدافعه ائدیر وخلقه‌دایانیردیلار. بویازیچیلار عینی‌زمانـدا شرق مدنیتینه ، اسلام فلسفه سینه دریندن تانیش اولدوقلاری ایچون‌اثرلرینده هرایکی دونیاگؤروشونون تأثیرینی گؤرمك ممکن‌دیر. بوعصرده بارادیلان رەآلیزم، واقف‌دؤرو رەآلمزمندن‌فرقلی‌اولاراق حیاتین و دؤرون‌گئنیش تصویرینی وئریردی. بودؤرون رەآلیست یازیچیلاری کهنه جمعیتین منفی طرفلرینی عمومی‌لشدیره‌رك زمانه‌نین تیپیك صورتلرینی یارادیردیلار. ع . باکیخانوف، اسماعیل قوتقاشنلی، میرزاشفیع واضح و قاسم‌بیك ذاکر ایله‌باشلایان **تنقیدی‌رەآلیزم** میرزا فتحعلی آخوندزاده ایله واقعی انکشاف یولونو تاپمشدیر.

۱ـ عباسقلی‌آقا باکیخانوف قدسی ـ باکی خانلاری‌نین نسلیندن اولوب، ۱۹ ـ اینجی عصرین مشهور شاعر، محرر و تاریخچیلریندندیر. باباسی‌ایکینجی میرزا محمد ۱۸ اینجی عصریـن آخرلاریندا و ۱۹ اینجی عصریـن اول‌لرینده بـاکی ایالتینده و قوباداخانلیق ائتمیشدیر . عباسقلی آقـا ۱۷۹۴ ده امیر حـاجیان کندینده آنـادان اولمـوش و یدی یـاشیندا بـاباسیله بـاکی ایالتینی تـرك ائدیرك قـوبایـا کؤچمـوش و ۱۸۲۰یه‌قدر بوردا یاسامیشدی. قوبادا فارسجا،عربجه دیللرینی، الهیاتی ئـوگرنمیش و مطالعه یولیله معلوماتینی درینلشدیرمیشدی. ۱۸۱۹ده قفقاز باش حاکمی ژنرال امرلوف طـرفیندن تفلیس‌ده شرق دیللری مترجمی وظیفه‌سینه تعیین اولـونـدی. تفلیس‌ده روس دیلینی مکمل ئوگره‌نمب بو دیلین واسطه‌سیله روس و اوروپـا فرهنگ و مدنیتینه بلـد اولدی. آیریجا وظیفه‌سی مناسبیله بیرچوق شهر و ئولکه‌لری سیاحت‌ائتمیش وبویرلرین شاعر، عالم و دؤلت آدامـلاریله تانیش اولموشدور . تفلیس محیطی باکیخانوفدا درین تأثیر بوراخدیغی کیمی بو سیاحتلرده اونون بلکی‌وگؤرگوسونو چوق‌آرتیرمیشدیر .

تفلیس‌ده میرزه‌شفیع واضح‌ین تشکیل‌ائتدیگی **دیوان‌حکمت** آدلی ادبی مجلسین گؤرکملی عضولـرینین اولموندور. ع. بـاکیخانـوف ۱۸۳۴ده دؤلت اینسیندن استعفا وئـردیکدن صونرا تکرار قوبایا کؤچوب‌و بیرمـدت آتاسینین مالکانه سینده یـاشامیش و ان‌جدی علمی‌اثرلرینی‌ده بورادایاراتمیشدیر.باکیخانوف حیاتی‌نین صون‌ایللرینده تمامیله ایشدن چکیلمیش و۱۸۴۶ده مکه‌یه گئتمیشدیر.مکه‌دن مدینه‌یه گئتدیگی زمـان یـولـدا

وادی فاطمه ده و با (کوله‌را)دان‌وفات ائتمیش و اورادا دفن ائدیلمیشدیر.

اثرلری: باکیخانوف تفلیسه گلمه‌دن قاباق قوبادا **گلستان** آدلی ادبی درنـك (محفل‌وانجمن) تشکیل ائدیب، گؤرکملی‌ادیب و شاعرلری بو محفله جلب‌ائتمیشدی. اونون فارسجا مثنویانه شعرلری‌نین و فضولیانه‌غزل‌ومخمسلری‌نین چوخو بو دؤرونـه عائددیر. شعرلرینده قدسی‌تخلصی‌نی‌سئچمیشدیر. اونون شعرلرینده وحدت وجود ومعاصر قاباقجیل فکرلرین بیربیریله بیرلشدیگینی گؤره‌بیله‌ریك. جلال‌الدین رومی تأثیری‌آلتیندا فارسجا یازدیغی فلسفی‌بیرشعرینده عشق‌الهی‌نی تعریفله‌یرمك ئوزونه بئله خطاب ائدیر: من هارا، عشق هارا، عشق منیم کیمی افتاده‌لرین شأنینه گلمز؛ شاهینین هنری میلچکدن اوزاق اولدوغوکیمی، عاشقین هنری‌ده بیزیم‌کیمی گدالاردان اوزاقدیر، عاشقلیك محض کربلا شهیدی امام‌حسینین ایشیدیرکی،اونا عشق یولوندا،دین وحقانیت اوغروندا نه‌قدر خنجر، اوخ و نیزه ووردولارساگئنه‌ده او سوزجگریله: «وورون سیزین یارانیزدان جانیم دیری اولور ، کاش یوز جانیم اولایدی کی،جانان یولوندا اونـلاری فدا ائدیدیـم»ده بیروشعرینی:

تن ز جان و جان ز تـن مستور نیست
لیك کس را دیـد جـان دستور نیست

بیتی‌ایله قورتاریر. فارسجا یازدیغی بوشعرینده باکیخانوف عشق ومسلك یولوندا جانیندان کئچن فداکار بیر روحون بدیع افاده‌سینی وئرمیشدیر .

۱ـ گلستان ارم ـ سیروان وداغستان‌تاریخی‌دیر، ۱۸۴۱ده‌فارسجایازیلمیشدیر. بیرمقدمه، بیر خاتمه و بش فصلدن مرکب اولان بوکتاب داغستان و شیروان باره‌سینده جغرافی و انوگرافی باخیمیندان معلومات وئریر، اورداکی قوملری، دیللری، دیـن و مذهبلری قیصاجا آنلاتیر صونراکی بابلار بوشکیلده تقسیم ائدیلمیشدیر:

۱ـ ان قدیم دؤورلردن اسلام دینی‌نین ظهورونه‌قدر.
۲ـ اسلامین ظهوروندان مغول استیلاسیناقدر (۱۲۵۸)
۳ـ مغول استیلاسیندان صفویلرین حاکمیت‌باشینا کئچمه‌سینه‌قدر.
۴ـ صفویلردن آذربایجان خانلیقلارین‌تشکلونه‌قدر .
۵ ـ اری مستقل خانلیقلارین حاکمیت دؤوری، نادرشاهین‌ئولومونـدن(۱۷۴۷) گلستان‌معاهده‌نامه‌سینه‌قدر(۱۸۱۳)!ثرین‌مقدمه‌سینده‌ئوزشرح‌حالینی‌یازمیش‌وخاتمه‌سینده‌ده آذربایجان عـالم وشاعرلری حقینده معلومات وئرمیشدیر.مؤلف‌اثرینی‌یازارکن‌هرودوت، استرابون، پلوتارك‌میرخوند، خواندمیر،کاتب‌چلبی، نسطور، کارامزین کیمی‌قدیم یونان، روس و شرق تاریخچیلرینندن استفاده ائتمیشدیر . بوکتابی باکیخانوف ئوزو روسجایـا ترجمه‌ائتمیش لکن‌چارحکومتی‌کتابین‌نشرینه اجازه‌وئرمه‌میشدیر.

۲ـ ریاض‌القدس ـ کربلا فاجعه‌سی اطرافیندا یازیلمیش و فضولی‌نین حدیقة السعداسیناتورکجه نظیره‌دیر. بواثری ۱۸۲۱ ده یعنی یالنیز اسلام فرهنگی تأثیری‌آلتیندا یکن یازمیشدیر.

۳ـ قانون قدسی ـ فارس دیلی‌نین گرامرینه عائد اولان بواثر مؤلف طرفیندن روسجایا ترجمه ائدیلمیش و امپراطور بیرینجی نیکولایا تقدیم ائدیله‌رك اونون امریله هرایکی دیلده تفلیس‌ده چاپ اولموشدور.

۴ـ کشف‌الغرائب ـ آمریکانین کشفینه و احوالینه عائد بیر رساله‌دیر.

۵ـ تهذیب‌الاخلاق ـ یونان، اسلام و اروپا مؤلفلریندن استفاده ائدیله‌رك یازیلمیش اخلاق رساله‌سیدیر. بورساله‌ده، بحث‌ائدیلن مسئله‌لردن بیری‌ده‌علم‌ایله عملین و یانظریه‌ایله تجربه‌نین‌مناسبتی مسئله‌سیدیر. اثرده گؤستریلیرکی، «دنیادا اولان‌شی‌لرین هامی‌سی‌عمله، عمل‌ایسه‌بوتون فضیلتلرین دولتی‌اولان علمه‌باغلیدیر.» بوفکری‌تصدیق‌ـ ایچون‌حکیم سنائی‌دن آشاغیداکی بیتی گتیریر :

کار بی‌علم تخم در شور است　　علم بیکار زنده درگور است

باکیخانوف علمی، گمی‌نین‌یلکه‌نینه(۱) اوخشادیر: یلکن سیزگمی دریاداسرگردان قالدیغی کیمی علم سیزده عمل معنی‌سیز وآوارا قالار، دییر.

باکیخانوف کائنات و وارلیق حقینده‌دئیرکی،«وجوددایوخ اونماقلیق یوخدور، بیز ده‌گبشمیه، حالدان‌حالاکئچمبه‌عدم‌آدی‌قویموشوق. بوتون شی‌لرهلاك اولار، بیرشکیلدن دیگر شکله دوشر لکن یوخ اولماز، بو، وارلیغین ئوزودور.

جبر و اختیار مسئله‌سینده لاجبر ولاتفویض‌بل‌هی‌بین‌الامرین‌ه اینانمیشدی آشاغیدا درج ائله دیگیمیز فارسجا شعرینده بو فکری فلسفی بیرلسان ایله افاده‌ائدیر:

هر کس عمل ز خویش نبیند نه مؤمن است
و انهم که نسبتش نه بحق داد کافر است
بی‌قوه فعل را به جهان چون وجود نیست
در اختیار ماست عمل هم مقدر است
قدسی نکوست هرچه رسد از جناب دوست
در ضمن هر فساد صلاحی مقدر است

۶ـ عین‌المیزان ـ عربجه منطق رساله‌سیدیر.

۷ـ اسرارالملکوت ـ هیئت علمینه مربوط اولان بواثری فارسجا یازمیش و عربجیه ترجمه ائتمیش وعلاوه ائتدیگی بیر مقدمه‌ایله‌مکه سفرینده استانبولدا سلطان عبدالمجیده تقدیم ائتمیشدیر. تورکجه ترجمه‌سی ۱۲۶۵ هجریده استانبولدا چاپ اولموشدور.

بادبان

۸ـ مشکوة‌الانوار ـ بعضی اخـلاقی حکایه‌لردن مـرکب فارسجا منظوم بیر اثردیر.

۹ـ نصیحت‌نامه ـ ۱۸۲۷ده اوشاقلار ایچون یـازیلمیش‌دیـر. دیلی ساده و تورکجه‌دیر.

۱۰ـ مرآت‌الجمال ـ فارسجا شعرلری‌نین مجموعه‌سیدیر.

۱۱ـ کتاب عسکریه ـ قوبا اهالی‌سیندن دمیرچی اوغلو عسکر آدلی بیرگنجین حکایه‌سیدیر منظوم و منثور یازیلان بواثرین‌آذری‌نثری‌نین انکشافیندا اهمیتلی بیریئری واردیر.

حکایه‌نین مقدمه‌سینده حیاتین‌آجی وشیرین‌تجربه‌لریندن چیخمیش‌نیك‌بین بیرشاعرله تانیش اولوروق. شاعر اوخوجولاری دنیاالملرینه قارشی متانت‌لی و صبرلی اولماغا، دنیادا بش‌گون یاشاماغی غنیمت‌بیله‌رك‌اوندان استفاده ائتمه‌گه، عشق و محبتده پاکباز اولماغا چاغیراراق یازیر: «بورسم دلاویزله‌فرقه‌ی اولوالار با به‌بیان مافی‌البال ائتمیش کیم، ریاض وجود بشریه ده قسم قسم محنت واندوه‌نهالی یدقدرتك اکیلیپدیروانسانین سینه‌سی بش‌گون مسرور اولسادا، اون‌گون غم‌غصه‌ایله‌مالامال اولور. با اینهمه لابدآ عالم‌صورتده اقتضای‌طبیعت بشراولدورکی،هرکیمسه‌گرکدیر بیرنوع منظورایله‌جلابخش دیدهٔ دل اولوپ، اوقات شریفه‌نی ضایع و عمر عـزیزینی بیهوده کئچیرمه‌سین و بعضی حوادثده‌جام غفلت‌دن طبع طالب‌هوشیارابادهٔ جهل ایچیرمه‌سین»

مقدمه‌دن صونرا شاعر حکایه‌نین اساس حصه‌سینه‌کئچه‌رك عسکر ایله مرثیه‌خوان قیزی‌نین سؤگی و عشق ماجرالارینی نقل ائدیر. عسگر حـر و آزاد بیر شکلده سؤدیگی قیزلاآنلاشیب ئولنمك ایستیر و مرادینا یتیشمك‌ایچون فـاناتیك محله‌آداملاریله مبارزه آپاریر و صونو خوشبخت بیرنتیجه ایله تاملانیر. اثرده عسکر سؤگیلیسینه بئله خطاب ائدیر.

نئجه تاب ائتسین دل شوریده جاناندان جدا
بی سروسامان قالیر هـر ملك سلطاندان جدا
عاشق بیچاره‌نین جسمینده جان جانان ایدی
نئجه‌شیوه‌ن قیلماسین‌کیم جسم‌اولورجاندان جدا

باکیخانوف‌بواثرده عسکرین سؤگیلی‌سی سیماسینداحربیرقادینین‌نمونه‌سینی تصویر اتمیشدیر.

بو اثرده یازیلان شعرلرین بعضی‌لری فضولی اسلوبونو خاطرلادیر مثلا:

سؤیله‌ای همدم کرم قیل حال یاریمدان منه

حق رضاسی بیرخبر وئـر گلعذاریمدان منه

بیتی فضولی‌نین اشاغیداکی بیتی‌نی خاطرلادیر :

بیر خبر وئیر ای صبا اول ماه تاباندان منه

کیم غم عشقینده یوز غم‌ائتدی دوراندن منه

فضولی سبکینده یازدیغی باشقاغـرللر و مخمس‌لرینده دوراندان شکایت اساسی یئرتوتور، بورادابسم‌الله ردیفلی مشهور مخمسینی درج ائدیریك.

دلا عزم ایله‌سن بلبل صفت گلزاره بسم‌الـه

مرادین اولسامیل ائتمك فغان وزاره بسم‌اله

گرایسترسن‌مدام‌اولماق جگرصده‌پاره بسم‌اله

غرض فکرین تماشادیر اگـر دلداره بسم‌اله

نظرلعل‌لب جانبخش و رخ گلناره بسم‌اله

تمناسیندا گون‌گوندن منی دلخون شیداقیل

گره‌کمزنام وناموسم غم‌عشق‌ایله رسواقیل

وئریب دونیاودین‌نقدین متاع وصله‌سوداقیل

اگر یوخ‌دسترس سودایا باری گئت تماشاقیل

گلیبدیر یوسف گل پیرهن بازاره بسم‌اله

چکردین آرزو دائم دییه‌ردین شوق یار ایله

که دوشسون‌اتفاق‌وصلت‌اول سیمین‌غدارایله

ائدیم جانیم اونـا تسلیم ذوق و اعتبار ایله

دور وبدور اول بت سرمست تیغ آبدار ایله

سؤزون گر دوغرودور ای‌عاشق بیچاره بسم‌اله

د ئمیشدین ای بت ترسا نگه‌برهم زنی عالم

که‌اتمه‌م‌عاشقیمدن من یامان‌گون التفاتیم‌کم

آلیبدیرصبریمی درد وبلاجان‌قصدین ائیلرهم

اگر اقراری ثابت سن وفا هنگامیدیربـو دم

ترحم قیل قدم باس دیدهٔ خونباره بسم‌اله

اولوپدور غرق خوناب جبیرچشم‌ترین قدسی

یانیبدیر داغ‌محنتدن دل غـم پرورین قدسی

گتیرتقریره بیربیریاره‌عرض‌ائت غملرین‌قدسی

اگر بو عشوه‌دن دلگیراولارسادلبرین قدسی

شروع ائیله بیرئوزگه و جهیله اظهاره بسم‌الله.

باکیخانوف استعدادلی شاعر اولماقلا برابر بؤیوك بیر عالم و متفکر دیر.

روس- ایران محاربه‌سی ایللرینده (۲۸-۱۸۲۶) باکیخانوف‌حربی‌خدمتی‌مناسبتیله تبریزه‌گلمیش واورادا گؤردوگو جهالت وفاناتیزمین، ظلم وفشارین حدود سوزآغیرلیغی اونو ناراحت ائتمیش و بو تـأثیرآلتیندا **تبریزاهلینه خطاب** شعرینی سؤیله میشدی بوشعر درین اجتماعی مضمونلوکسگین بیر ساتیرادیر.

تبریزده اولدوغو زمان ولیعهدین توتدوغو تعزیه مجلسینه گئدره‌ك اورادا دیواردان آسیلمیش بوسطرلری اوخویور:

بو سرباز و اساس و شاهزاده
اولایدی کاش بودمده کربلاده.

شاعر بداهتاً بو جوابی سؤیله‌یبر:

بساط جنگ اولان ساعت قاچاردی
قویاردی سرور دینی آراده.

باکیخانوف روس ادبیاتی‌نی اؤیرندیکدن صونرا **کریلوف‌ون** مشهور ایششك و بلبل حکایه‌سی کیمی‌بعضی اثرلری تورکجه‌یه ترجمه‌ائتمیشدیر.

باکیخانوف‌یاشادیغی دؤورده‌ده بؤیوك شهرته‌نایل‌اولدی. معاصرلریندن گؤرکملی شاعر کاظم آقا سالك بیر منظومه‌سینده اونو شعر عالمی‌نین پادشاهی دییه تعریف ائتمیشدیر:

بیری قدسی لقب عباسقلی‌بیك دیار نظم شعره پادشاه‌دیر.

۲- اسماعیل‌بیك قوتقاشنلی - اسماعیل‌بیك‌قوتقاشنین صون حاکمی سلطان نصرالهین اوغلودور. ۱۸۲۲ده حربیه خدمتینه گیرمیش و بو وظیفه‌ده ژنرال مایور رتبه‌سینه‌قدر یوکسلمیش‌و۱۸۴۱ده متقاعد اولموشدور. ۱۸۵۲ده خانمی بانوبیگیم ایله‌برابر مکه‌یه گئتمیش‌لکن مکه‌دن نه‌زبان قاییتماسی‌ونه‌زمان‌ئولمه‌سی معلوم دگیلدیر. بوشاعرین ذاکرایله معاصر و یاخین‌دوست اولدوغو ذاکرین بیر شعرینده معلومدیر.

اسماعیل‌بیك‌قوتقاشنلی مأموریتی مناسبتیله پطرسبورگ، مسکو، ورشو و تفلیس کیمی مدنیت مرکزلرینده دولاشاراق روس و فرانسه دیللرینی مکمل ئوگرنمیش و بو دیللر واسطه‌سیله روس و اروپا مدنیتی‌نین قاباقجیل فکرلریله تانیش اولموشدی . گینه روس وفرانسه سانتیمانتالیست یازیچیلاری تأثیرایله‌ادبیاتاهوسلنمیش و **شرق‌حکایه‌سی** ویا خود **رشیدبیك و سعادت خانم** اثرینی فرانسیزجا یازاراق ۱۸۳۵ده ورشودا نشر ائتدیرمیشدی . اثرده‌یالنیز طبیعت منظره‌لری دگیل قهرمانلارین احوال روحیه‌سی، آیری‌آیری حادثه‌لرین‌حکایه‌سی‌چوخ‌شیرین و تأثیرلی‌بیرشکلیده افاده ائدیلمیشدیر. اثرین

قهرمـانی رشیدبیك ۱۹ اینجی عصریـن اوللرینده اروپا مدنیتی‌نین قـاباقجیل فکرلریله تربیه‌لنمیش گنج نسلین تی‌پیك بیر نماینده‌سیدیر. او، قوچاق، ایگید، عقل‌لـی وتدبیرلی بیرقهرماندیر عینی‌حالده‌معارف پرور و دموکرات بیرگنج‌دیر. سعادت‌خانم‌لاقـارشیلیقلی سؤگی اساسیندا ائولـه‌نیر. نوکری عـزیزه یاخین بیردوست‌کیمی باخیر و هربیرمسئله‌ده اونونلامصلحت‌لشیر. اویالنیزنوکری‌عزیزه دگیل بوتون رعیته بؤیوك بیرقایغی بسله‌ییر بیرگنجه‌عزیزایله بیرلیکده گنجه وقتی‌آت یئلینده گئدرکن راست گلدیگی بیردسته قولدورلا قهرنجاسینا دؤیوشور، اونلاری قوور و ئولدورمیه آپاردیقلاری گنج کندلی **مردانی** اونلارین الیندن‌خلاص ادیب عائله‌سینه قایتاریر. زورلاعسکرآقایا اره وئریلن‌سؤگیلیسی سعادت خانمی بؤیوك بیرهنرله قاچیریر و اوزه‌رینه اوردوسوایله هجوما گئچن‌کاظم‌خانلا ووروشد وغو زمان، ناحق‌یره‌قان‌تؤکولمه‌سین دییه‌عسکرآقانی‌مهارتله قاچیریر وبونونلا دا کاظم‌خانی محاربه‌نی دایاندیرماغا مجبور ائدیر.

اثرین‌ایکینجی اساس‌سیماسی‌سعادت‌خانم، خیالپرور، حیاتین معناسینی‌یالنیزمحبت‌ده آرایان (آختاران) تمیز وجدانلی صاف‌اوره‌کلی وفـالی و نجیب بیرقیزدیر بورومانـدا سعادت‌خانم آذری قادینینین‌ایده‌آل بیرنمونه‌سینی گؤسترمکده‌دیر .

سعادت‌خانم سؤمه‌دیگی مغرورخان اوغلو عسگرآقایا دییکلی‌دیر، اوزورلاعسگر آقایا اره وئریله جگینی خاطرینه گتیردیکجه‌کدرلنیر وئوزطالعسیزلیگینی دوشونور: «من اونو دوشونورم‌که بویاخین زماندا، من ئوز نجابت و ثروتیله مغرور اولان عسگرآقانین آروادی اولمالیام. من اونون‌خاصیتینه و احوال روحیه‌سینه بلد دگیلم و اولابیلسین‌کـه او هئچ منی سؤمیه‌جك. آه، ائله‌بیر اوشاغا اره گئتمك‌دنسه‌من همیشه‌لیك آنامین وسنین یانیندا یاشاماغی نقدر خوش بیر سعادت حساب ائدیرم . ائله سود امه‌راوشاق‌مندن نه محبت و نـه‌ده حساس‌کـؤنول اومابیلیر» یـالنیز ایکی سؤگیلـی آراسیندا اولان محکم قارشیلیقلی محبت و رشیدبیگین‌رشادتی سعادتی بوطالعسیزلیکدن قورتارابیلیر.

بو اثرفرانسیزدیلینده یازیلدیغی‌ایچون آذربـایجان خلقینه معلوم دگیلدی ، لکن سوویت انقلابیندان صونرا آذری تورکجه‌یه ترجمه‌ا ولـوناراق گنیش خلق‌کـوتله‌سینه چاتدیریلمیشدیر.

اسماعیل‌بیك‌قوتقاشنلی آذربایجان ادبیاتینا سانتی مانتالیست بیرنثرچی‌کیمی داخل اولموشدور.

۳ـ میرزا شفیع واضح ـلیریك شعرلریله اوروپادا مشهور اولان میرزا شفیع ۱۹ـاینجی عصرین‌بیرینجی‌یاریسیندایاشامیشدیر ۱۸ـاینجی عصرین صونلا رینبدا گنجه‌ده آنادان اولموش‌آتاسی کربلائی صادق‌گنجه نین صون حاکمی جواد خانین معماری ایدی.

میرزا شفیع آتاسی نین ایستگینه گؤره گنجه مدرسه سینده تحصیل آلاراق روحانی اولماغا حاضرلانمیشدی لکن آتاسی نین ئولـوموندن صونرا صوفی حاجـی عبدالهین تأثیریله بو فکریندن وازکئچمیشدیر . مدرسه ده تدریس ائدن ملالاراونون فکرده گیشدیرمه سیندن آگاه اولدوقدان صونرا اونو نلامشغول اولماقدان امتناع ائدیرلر میرزا شفیع ده مجبوراً مدرسه نی ترك ائدیر. اونون روحانی لره قارشی نفرتی نین سببی ده بـوحادثه اولموشدور. میرزا بیر مدت جواد خانین قیزی پسته خانمین ملك لرینی اداره ائتمگه مأمور اولموش لکن روس ایران مجاربه سی باشلادیقدان صونرا بووظیفه دن آیریلمیش وخطاطلیق ومعلم لیکله مشغول اولموشدور. ۱۸۳۲ ده میرزا فتحعلی آخوندوفا نستعلیق یازیسینی تعلیم وئرمیش وعینی زماندا اونا مطالب عرفانیه نی ده تلقین ائتمیشدیر. ۱۸۴۰ ده تفلیسه کؤچموش واورادا فارس دیلی معلمی اولموشدی.

تفلیس ده وقتی نی داهاچوق عرفاییغنجا قـلارینداکئچیرمن شاعر، با کیخانوف و سایر ادیبلرله تانیش اولوروبؤیوك حرمت قازانیر . صونرا **دیوان حکمت** آدلی ادبی مجلس تشکیل ائده رك شاگردلرینی وحتی با کیخانوفواورایا جلب ائتدی. بومحفل ده عمومیتله شرق کلاسیکلریندن سئچیلمیش پارچالارلا میرزانین وبا کیخانوفون شعرلری اوخونور و ادبی مباحثه لر اولوردی. شرابی، گؤزه لی ترنم ائدن خیام واری شعرلری ، ظلمه وفاناتیزمه قارشی ساتیرالاری بودورده یارادیلمیشدیر. بوزمان تفلیس ده چار حکومتی خدمتینده اولان هانورلی **فریدریخ بوندشتدت** شاعردن فارسجا وتورکجه نی ئوگره نیرکن اونون ان گؤزل شعرلرینی دفترینه یازمیش وآلمانا دؤندوکدن صونرا اونلاری آلمانجایا ترجمه ائده رك ۱۸۵۰ ده **شرقده مین بیرگون** آدلی اثـرینده چاپ ائتمیشدی، ۱۸۵۱ ده ده برلین ده **میرزا شفیع نین شرقی لری** آدیله بیرکتابچه نشر ائتدیرمیشدی. بوشعرلر میزا شفیعه اوروپادا بؤیوك بیر شهرت قازاندیردی، بوحادثه دن صونرا بودندشتدت صونراکی نشرلرده ئوزونو شعرلرین مؤلفی اعلان ائتدی. میرزا فتحعلی آخوندوف میرزاشفیعین شاعرلیگینه یوکسك قیمت وئریب ئوزترجمه ی حالیندا بئله دییر. «گنجه مسجدنین حجره لرینده بیرینده بوولایت اهالی سیندن میرزا شفیع آدلی بیریسی یا شاییردی؛ بوآدام نوع بنوع علملردن باشقا نستعلیق یازیسینی داچوخ یاخشی یـازیردی . بوهمان میرزا شفیع دیرکی آلمانیا مملکتینده اونون حیاتی وفارسجاشعرده مالك اولدوغوفضیلتی حقینده معلومات یازیلیپدیر . بونونلابئله میرزاشفیعین شعرلری نین اصلی بوگون الده اولمادیغی ایچون شاعرین دیل، وزن، قافیه وسایر شکل خصو صیتلری حقینده فکـر سؤیله مك چتیندیر. کتابچه ده وئریلن شعرلردن معلوم اولورکی مؤلف کلاسیك شعرین رباعی، قطعه، مخمس، مرثیه، غزل و سایر نوعلارینداشعر یازمیش وبونلاودان غزله داهاچوخ اهمیت وئرمیشدیر . عاشقانه وحکیمانه غزللرینده حافظ روحوآچیق حس اولونور . اونـون شعرلرینده حافظتم لریله

اویغونلاشدیریلمیش ساغلام بیر رەآلیزم واردیر .

عاشقانه پارچالاریندا تصویر اولـونان زلیخا، حفیظه، سوسنی وتفلیس گوزللری، حیاتدان آلینمیش معین وبلکەده شخصاً شاعرین حیاتدا تصادف ائتدیگی انسانلاردیر. زلیخا حقینده کی شعرینده بئله بدیعی بیر مقایسه واردیر: «ائله بیلیردیم کی او ، قیزیل گل دور گل ایسه اونون کیمی گوله بیلمەز. اونو گونش بیلیردیم ؛ لکن گونش گئجه لر ایشیق ساچماز. دئدیم بلکه ملك دیر؛ ملك ایسه، اونون کیمی محبت دویماز.

حفیظه حقینده یاز دیغی شعرلرینین بیرینده شاعر، گؤزەلی:

«باشیندان چادرانی آت کـه گؤزللیگین عالمه عیان اولسون، سن قیزیل گل سن، قیزیل گل گؤزلره شادلیق وئـرمك ایچون یارادیلمیشدیر. سنین گـؤزللیگین قارشیسیندا استانبولدا سلطانین حرم خانا سیندا کی گؤزللر بئله صولقون سؤنوکدورلر» دییه واقعی و حیاتی مقایسه لرله تصویر ائتمیشدیر.

موهوماتا و مطلقیته قارشی تنقیدی شعرلـری، زاقا فقازیاشیخ الاسلامی نی، ایران شاهی نین هجوی شاعرین تفلیس دؤرونده یارادیلمیش سیاسی ساتیریك اثرلریندندیر.

«سئوال ـ جواب» شعرینده استیلاچـی محاربه لرین علیهینه چیخاراق انسان پرورفکرلر تبلیغ ائدیر. اونون ان قوتلی اثرلریندن بیریده **«تفلیس ایله الوداع»** شعریدیر. بو شعر واقف وباکیخانـوف شعرلریندن صونرا گرجی پا یتختی نی وگؤزللرینی تصویر و مدح ائدن ان گؤزل بیز شعردیر. ۱۸۶۴ ده یازیلان بـو شعرده تفلیس ایچون بئله دئیر. «سن منیم اذیتلریمین وسوینجلریمین دریـاسی سان» . تفلیس ایله الوداع، زلیخا وحفیظه حقینده کی عاشقانه پار چالاری، شکایـت شرقیلری (تصنیف) وساتیرالاریندان بعضی لری اونون شخصی حیاتیله علاقه دار اولان اثرلردیر .

شکایت شعرلرینین اکثریتی عمرونون آخرایللرینده حیاتدان ناامیداولدوغوزامانلار دایازیلمیشدیر . میرزا شفیع گریگورف ایله بیرلیکده قیمنازیا وقضا مکتب لری ایچون بیر درسلیك کتابی **«آذربایجان دیلی منتخباتی»** ترتیب ائتمیشدی. منتخباتدا عربجه و فارسجادان تورکجه یه ترجمه ائدیلمیش کیچیك پارچالار، حکیمانه سؤزلر، کیچیك مضحکه لر، حکایه لر، تمثیل لر ، فضولی دن، روضة الصفادان، دربند نامه وقاراباغ نامه دن نمونه لرو کتابین صونوندا تورکجه ـ روسجا سؤزلرینین لغتی وئـریلمیشدیر. میرزا شفیع بوکتابین نشرینی گؤرمه دن ۱۸۵۲ وفات ائتدی و اثـر ۱۸۵۵ ده نشرائدیلدی. میرزا شفیع ادبیات تاریخیمیزه معارفچی رەآلیست ومتفکر بیر شاعر کیمی داخل اولموشدور.

۲ـ ساتیریك[1] شعرین انکشافیـ ساتیرا عمومیتله جمعیت ده بؤیوك ده گیشیك لیکلر عمله گلدیگی وصنفی مبارزه نین شدتلندیگـی وشاعرایله محیط ورژیم آراسیندا فکر آیریلیغی و اختلافین کسگین لشدیگی بیرزماندا اگـر بیر حدده قدر ده آزادلیق اولورسا

۱ـ طنز وهجو

انکشاف ائدر. ۱۹ اینجی عصرین ۴۰-۵۰ اینجی ایللرینده شمالی آذربایجاندا بئله بیر وضعیت وشرایط یارانمیشدی. بیر طرفدن روس کاپیتالیزمی آذربایجانا نفوذ ائده رك فئودالیزمی سارسیتماغا (متزلزل اتمك) باشلاییر؛ بشریتین قاباقجیل فکر لریندن الهام آلان ینی یازیچیلار یتیشیر، اوبیری طرفدن ایسه چاریزمین مستملکه سینه چؤریلمیش ئولکه ده فئودال-پاتریارکال تضییق واسارت دوام ائدیردی. چاراستیلاسیندان صونرا آذربایجاندا خلق ایچون دؤزولمز بیر وضعیت عمله گلمیشدی. بو زمان ئولکه ظالم وصویقونچو چارحاکملری طرفیندن اداره اولونوردو. خانلاری عوض ائدن قضا کوماندانت لاری یئرلی بیگلرله ال بیراولوب خلقی تالان ائدیردیلر. آغیر وئرگیلری (مالیات لار) وئره بیلمه ین وحکومتین امرینه اطاعت ائتمه ین کندلیلر قامچی آلتیندا دؤیولوب محوائدیلیر، حکومت موسسه لرینده ومحکمه لرینده هر جور سورووندورمه لر، حق سیزلیکلر، ئوزباشینالیق، خیانت، رشوت خورلوق وسایره حدینی آشیر، حاکملرین عدالتسیزلیگی ورشوتخورلوغواوجوندان ئولکه ده قانونسوزلوق، هرج مرجلیك، قلدورلوق شدت ائدیردی.

ئولکه ده درین بیرجهالت وموهومات حکم سوروردو.

ئوز دوغمائولکه سینه وخلقینه درین بیر محبت بسله ین آذربایجان شاعرلری بئله قارانلیق محیطه لاقید باخا بیلمیه رهك اونونلا مبارزه یه گیریشیردیلر. بئله لیکله آذربایجان ادبیاتیندا ساتیریك شعر جریانی یارانیردی. فضولی دن صونرا اجتماعی ساتیرانین ایلك نمونه لرینی ۱۹ اینجی عصرین ۲۰ اینجی ایللرینده باکیخانوف واوندان صونرا میرزا شفیع واضح یارانمیشدی. بوایلك معارفچیلرو اونلارین یولونودوام وانکشاف ائتدیره ن میرزا فتحعلی آخوندوف بیر قدر احتیاطلی حرکت ائدره ك، ساتیرانی بلاواسطه آذربایجانین ئوزونده کی صویقونچوچار حاکم وچینوونیك (دولت مأموری) لرینه قارشی دگیل، ایران حیاتیندان وتاریخدن آلدیقلاری حادثه لره قارشی چویریروبونونلاداا ثرلرینی چارسانسورو ندان کئچیرمگه موفق اولوردولار. اونلار **قیزیم سنه دئییرم گلینیم سن آشیت** مثلی اساسیندا حرکت ائدیردیلر.

کئچن عصرین قیرخینجی ایللرینده آذربایجاندا نواحیلی **میرزا باخیش نادم** (۱۸۸۰-۱۷۸۵)، شمکیرلی **محمد جعفر مسکین**، قاراباغلی **بابابیك شاکر** (۱۸۴۵-۱۷۷۰) وقاسم بیك ذاکر (۱۸۵۷-۱۷۸۴) کیمی مستملکه اسارتینه وتضییقینه قارشی مبارزه یه قالخیشان گؤرکملی ساتیریك شاعرلریتیشمیشدی. بوجریانین قوتلنمه سینه داغستان خلقی نین چاراستیلاسینا قارشی آپاردیغی آزادلیق محاربه لری ده تأثیر ائتمکده ایدی. بو دؤرده یاشایان شکی شاعرلریندن **بیچاره** تخلصلی عثمان، **موذن تراب**، **شیخ شامل** حرکاتینا درین بیرغبت بسله ییردیلر. شیخ شاملین خونزاخ داکی غالبیتیندن روحلانان شاعر بیچاره، بیر شعرینده مسلمانلاری بو بؤیوك خلق قهرمانی نین اطرافیندا بیر لشمه گه چاغیریردی.

میرزاباخیش نادم چارمأمورلاری ویئرلی بیگلرعلیهینه شدتلی ساتیرالاریاراتمیشدیر . کندلی لرین آت عوضینه کوتاناقوشولاراق ایشله دیگینی گؤرهن شاعر، بیگ وخانلاری کسگین ساتیریك قلمیله قامچیلامیشدیر. نادم بیرشعرینده اوزمانلار خان طرفندن کوتانا(۱) قوشدورولموش محمودآدلی قوجا بیرکندلی نین آغیرحالینی تصویرائتمیشدیر :

محمود ایا رنجبر، ای مرد یگانه
ناحق یئره رنجیده اولوب گلمه فغانه
خالق سیزی رنجبر یارادیبدیر بیگه خانه
هر چئد گره کدیر قوشالا آت بو کوتانه
آت اولماسا هئچ اینجیمه انساندا قوشارلار
شاهلیق قویولار، بوغدا ایله دولماسا اولماز
مأموردا بونا آمر اگر اولماسا اولماز
سالیانی حسن خان دا اگر صویماسا اولماز
سال گردنینه گردنه‌بند ، گیر بو کوتانه
لال اول دیلینی کس خیشا انساندا قوشارلار

نادم داغستانین وشمالی قفقازین چار روسیاسی طرفیندن استیلاسینی، خلقین چکدیگی ظلم و دهشتلری تصویر ائدن اوزون تاریخی بیر منظومه‌ده یازمیشدیر.

محمدجعفر مسکین بوعصرین گؤرکملی خلق ساتیریك شاعرلریندندیر. چاریزم سیاستینه قارشی کسگین شعرلری واردیر. مسکین یرلی چارحاکملرینی «طفیلی و حشراتا» قان ایچی جی «جلادا» اوخشا داراق اونلارین حقینده آجی و نفرتلی سؤزلر دئمیشدیر.

شاکر. اجتماعی ساتیرانین بانی لریندن بیری‌ده قاراباغلی شاعر بابابیك شاکردیر. اودا بیگ عائله‌سینه منسوب اولوب پناه‌خان جوانشیرین نسلیندندیر. قاسم بیك ذاکرایله قوهوم ودوست اولدوغو شعرلریندن آنلاشیلیر. هرایکی شاعرآراسیندا صمیمی مکتوبلاشما و مشاعره دوام ائتمیشدیر. ذاکر شاکرین ئولومونه دایر سؤیله دیگی بیر شعرینده اونو ئوزونون استادی آدلاندیرمیشدیر.

متاسفانه شاکرین بوتون شعرلری الده یوخدور. معلوم اولان آلتی شعریندن اوچو تزار استیلاسی و اونون مستبد حاکملری علیهینه یازیلمیش سیاسی ساتیرادیر. قاسم بیگ ذاکره یازدیغی منظوم بیر مکتوبدا شاکر، قاراباغ بیگلرینین دپوتات (نماینده) سچمك

۱- جوت.

ایچون بیربیرلریله دالاشدیقلارینی، بیگلری چارحاکم و رئیسلری قارشی‌سیناقورخودان تیرـتیراسیب یالتاقلانمالارینی تصویرائده‌رك چار اداره اصولونوتنقیدائتمیشدیر. شاکرین امیراصلان‌بیگ حقینده یازدیغی‌هجوده چوخ‌مارا‌قلیدیر. بوهجوی‌ایله‌شاعر، خلقی‌سویوب تالان ائدن چارکوماندانت لارینی‌ویئرلی بیگلری تنقید و افشاء ائتمیشدیر.

قاسم بیگ ذاکر. (۱۸۵۷-۱۷۸۴) ۱۹ اینجی‌عصرین‌ان بویوك‌ساتیریك‌شاعری قاسم بیگ ذاکر دیر. او قاراباغ خانلیغی‌نین اساسینی قویان پناه‌خان نسلیندندیر. چار حاکملرینه‌ویئرلی‌بیگ‌لرایله‌آپاردیغی مبارزه‌نتیجه‌سینده‌حکومت‌طرفیندن باکی‌یه سورگون (تبعید) ائدیلمیشدی. اوغلو نجفقلی‌بیگ و قارداشی اوغلو اسکندر بیگ‌ده روسیه‌نین ایچریلرینه سورولدولر. شاعردوستوم.ف.آخوندوفا یازدیغی منظوم بیر مکتوبداوطنیندن دربدر اولدوغونوآجی شکایتلریله بیلدیرمیشدی:

پیرانه سرلیکیده‌چرخ‌کج رفتار — ائیله‌دی دربدر وطندن منی
نیله‌میشدیم بیلمم دور زمانه — اینجیدیر دوشنده بوقدرمنی

ذاکر حیاتی‌نین چوخ قسمتینی مهدیقلیخانین اوناباغیشلادیغی خنزرستان‌کندینده کئچیرمیش وکندلیلرله برابریاشامیشدیر. شعرلرینده‌کی خلق‌معیشتی تصویری‌وخلقچیلغی شاعرین بوحیاتیله علاقه‌داردیر.

ذاکر شعره واقفین تأثیری‌ایله باشلامیش‌و ره‌آلیست شعر اسلوبونودوام‌ائتدیرمیش و بویولدا چوخ یوکسلمیشدیر. شاعرین قوشمالاری ان پارلاق شعرلری‌دیر. شعرلرینده خلق احوال روحیه‌سی، محلی و ملی‌خصوصیتلر،آذربایجان‌گؤزه‌لی، اونون ملی‌گئییمی‌و عادتلری تصویر ائدیلمیشدیر:

سیه زلفـو دال گـردنده بیر قولاج[1]
صونـا جیقـاسی تك اوجـلاری قیقاج
بئله طره ، بئله گیسو ، بئله ساچ
بئله غمـزه ، بئله قـاش‌لاگـؤز اولمـاز

***

بـارماغیندا خـاتم ، بئلینـده کمر
تئلینده گـوشواره، دوگمه تمام زر
غرق اولسون یاشیلا ، آلا سراسر
نـاز ایلـه سالالانا سالالانا گلسین

بعضی قوشمالاریندا قوتلی‌استعاره‌لر ایشلتمیشدیر:

۱ـ انبوه زلف و خرمن.

مسلسل گیسو لار رخ آل اوزره
بیر بولودا بنزر مه جمال اوزره
پرتو حسنوندور خط و خال اوزره
یوخسا گون دوشوبدور دوداق اوستونه

ذاکرین کلاسیك شعر اسلوبوندا یازدیغی مخمس، مستزاد، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند لری، غزل‌لری‌وسایر منظوم‌پارچالاری‌دا واردیر. بونلارین‌بعضیلری ختائی‌یه، فضولی‌یه، نشاط وآقا مسیح‌شیروانی‌یه، ودادی‌یه و واقفه نظیره اولاراق یازیلمیشدیر. ذاکر بیرچوخ تمثیل‌لر، منظوم حکایه‌لرده یازمیشدیر. تمثیل‌لری‌نین بیرقسمی کریلوف‌دان ترجمه‌واقتباس دیر، بیرقسمی‌دا سعدی‌نین تاثیری آلتیندا یازیلمیشدیر.

منظوم حکایه‌لریندن «**زوج اخیر**» آدلی اثری چوق جالبدیر. بو اثرده شرق قادینلاری‌نین فئودال‌دونیاسیندا اگلنجه(اسباب تفریح) اولدوغونو و حقوقسوز بیر حالدا یا شادیغینی تصویرائتمیشدیر.

ئوززمانیندا عدالت‌ومحبت گؤرمه‌ین‌شاعر تاریخین کئچمیش صحیفه‌لرینی آراشدیرمیش و بردع[1]نین بؤیوك نظامی و خاقانی دورلرینده‌کی ادبیاتی و شن‌گونلرینی‌آرزولا یاراق «گزیم» ردیفلی شعرینی یازمیشدیر:

تولك[2]طرلان اوولاغیدی بویئرلر — بردع‌تورپاغیندا ائیله‌ییم گذر
گؤروم قالیبدیرمی شیریندن اثر — باخیم هر طرفه نگران گزیم

***

بلبل بیچاره وئردی خبری — دئدی که قالمایب شنلیك اثری
من ذاکرم اونو گؤرندن بری — گره‌گ‌مجنون اولوب بیابان گزیم

ذاکرین ساتیریك شعرلری داها چوخ‌چار حاکملرینه و چاریزمین مستملکه‌سیاستینه قارشی‌سؤیلنمیشدیر:

بیرینـدن شکایت ائده سن اگر
دانیشماغا قویماز سؤزونو کسه‌ر
قارداش مالی کیمی اورتادان بؤ له‌ر
میروف‌لار اولوبلار اوغرویا اورتاق[3]
گؤرسن تانیمازسان یاریم ساقالی
چیخیب اندازه‌دن دولتی ، مالی

۱- بردع و یا بردعه‌آذربایجانین قدیم شهرلریندن ونظامی نوشابه‌سی‌نین پایتختی اولموشدور و قراباغ محالینه مطابق‌دیر.
۲- زرنگ، ایتی اوچان، سورتولموش. ۳- شریك.

خواند میروف چالدی ، چاپدی محالی

اوکی‌وار، توتوب‌ئوزون کچل‌قورومساق

باکی‌دا سورگون اولدوغو زمان ودادی‌نین دورنالار شعرینه یاخین اولان‌مشهور دورنالار شعرینی یازمیشدیر:

بو بلاده هر گون تؤکولور قانلار

یاواش گئچین سس سمیرینیز[1] آنلار

لاچین[2] یاتاغیدیر بیزیم مکانلار

قورخورام سیرانیز چاشا[3] ، دورنالار

۳ـ عاشقانه خلق شعری جریانی: واقف اسلوبو۱۹ اینجی عصرین‌بیرینجی یاریسینداداقوتلی‌بیر جریان‌شکلینده‌دوام‌ائتمیشدیر. طبیعی‌دیرکی‌بونوع‌شعر، غذاسینی‌زنگین خلق یارادیجیلیغیندان و عاشق شعریندن‌آلیردی. بو سببدن شفاهی خلق ادبیاتیندا گؤردوگوموزکؤچری‌خلق معیشت تصویرلری، ملی‌رئیرلی خصوصیتلر، نیک‌بین دونیا گؤروشی، نجیب و اینجه انسان احساسلاری، صداقت، صمیمیت، حرمت و محبت، کاماچاتماق‌آرزولاری بوشعرده درین بدیعی افاده‌سینی تاپابیلمیشدیر. بوشعر جریانی‌نین اساس محتوا و مندرجه‌سینی **سؤگی** تشکیل ائدیر. بو نوع شعرین دیلی ساده و ماهیتی ره‌آلیست‌دیر.

بو دؤرده یتیشن یوزلرجه شاعرین هر بیری‌نین فردی یارادیجیلیق خصوصیتی اولماسینا، بعضی‌لرینده ره‌آلیزمین، بعضی‌لرینده ایسه رومانتیزمین اوستون کلمه‌سینه، بعضی‌لرینده نشألی ونیک‌بین، واقفانه‌روحون، دیگرلرینده ایسه حزنون، کدرین‌وشکایتین افاده اولونماسینا رغماًهامیسی بیراسلوبا تابع‌اولورو بیرلشیردیلر ، هامیسی بیرمنبع‌دن ، شفاهی خلق ادبیاتیندان الهام‌آلیر، ساده خلق دیلینده، هجاوزنیله یازیر، خلق معیشتینی تصویرائدیر وبئله لیکله‌ده خلق شعری جریانینی یارادیردیلار.

عاشقانه‌خلق‌شعری جریانی‌آذربایجانین اوج‌بؤیوک‌منطقه‌سینده: **قاراداغ**محالیندا، **قاراباغ** و **قازاخ** دا داها چوخ انکشاف ائدره‌ك یاییلمیشدیر.

جنوبی‌آذربایجاندا بوجریانی تمثیل‌ائدنلر سیدابوالقاسم **نباتی**، **عندلیب قاراجاداغی**، قیرخ بولاقلی محمد خلیفه **عاجز** و اردبیلی قاراقاش بابا **ذکری** کیمی گؤرکملی شاعرلر اولموشدور.

نباتی بوتون‌آذربایجاندا یئتیشن‌عاشقانه خلق شاعرلری ایچه ریسینده ان بؤیوك‌و شرفلی‌یئری‌توتموش و اونون باره‌سینده‌داها اول بحث ائدیلمیشدیر.

۱ـ ئسس صدا ۲ـ شاهین، عقاب ۳ـ رڈیفیزپوزولا

عندلیب قاراجاداغی اهرده‌آنادان اولموش اولا تبریزه صونرا ایروانا گده‌رك سرداردیوانخاناسیندا منشی‌لیك اتمیشدیر. اوایروانین چاراوردوسو طرفیندن‌فتحینی‌تصویر ائدن بیرشعر،فضولی‌یه‌نظیره‌لر و خلق ادبیاتی‌نین قوشما، حیدری، گرایلی کیمی‌شکللرینده عاشقانه پارچالار یازمیشدیر.

عـاجز حقینده داها قاباقدان مغلومـات وئر دیگیمیز ایچون تکـرار یازمایـا نیاز گؤرمورووك.

بابا ذکری- (۱۸۹۶-۱۷۹۵) بوشاعرین‌اثرلرینده‌تصوف عقیده‌لری‌ایله‌عاشقانه احساسلارین بیرلشکدیگینی گؤره بیلیریك. صوفیانه شعرلرینده‌عاصی بیرروح‌افاده‌ائتدیگی کیمی، عـاشقانه پارچالاریندادا بعضاً زمـانه‌نین‌آغیرلیغیندان دوغان شکایتچی بیراحوال روحیه‌نین بدیعی افـاده‌سینی وئرمیشدیر. اونون اوزه‌رینده **نباتی**‌نین تاثیری‌آچیق حس اولونور احتمال‌کی نباتی‌نین قـاراداغدا تشکیل ائتدیگی صوفی طـریقتی‌نین مریدلرینه‌دن اولموشدور. ذکری‌نین واقفه نظیره یازدیغی «گؤرمه‌دیم» شعری‌شکایتله دولودور. خلق آراسیندا بؤیوك بیرنفوذقازانمیش قوجا شاعر۱۸۶۹ ده خان طرفیندن اعدام‌ائدیلمیشدیر. خلق شعری قاراباغداداگنیش انکشاف ائـدیردی. بورادا **عاشق واله، عاشق قنبر، عاشق پری، میرزا جان مدوف، محمد بیگ عاشق، ذاکر، جانی اوغلو عبداله،میرزا حسن‌میرزه و جعفرقلی‌خان نوا**کیمی گؤرکملی‌شاعرلرپتیشمیشدی. واقفین تاثیری بوشاعرلرده داها بارز اولموشدور.

عاشق واله: کربلائی صفی‌واله‌قوشمالاری‌ایله برابرغزل، مخمس‌ودینی‌منظومه‌لر یازمیشدیر. مشهور **«وجودنامه»** سینده انسانین آنابطنینه دوشدوگـوآندان‌یوز یاشینا قدرکئچیردیگی مختلف‌دورلری، ئولندن‌صونرادا (قبرعذابی) نی (قیامت‌گونلرینی)تصویر اتمیشدیر. عاشق واله‌آذربایجان عاشقلری ایچینده استاد بیرشاعرکیمی تانینمیشدیر.

چهار عنصردن شش جهتدن — بیرقطره منی‌دن اولموشوز پیدا
عدم دریاسیندا قالدیم‌آلتی‌آی — قـدرت قـادر و خـالق اشیا

***

رحم ایچینده اول‌بنیاد اولدی دیل — ایکی نقطه گؤزوم اولدو مقابل
بیرداماق بیر جگر اولوندو حاصل — دوقوزگونده تمام اولدو بواعضا

عاشق پرینین حیاتی‌حقینده‌معلوماتیمیزآزدیربئله نظره‌گلیرکی قاراباغدامارالیان کندینده دوغولموش وگنج یاشیندا شوشایاگتمیش و ۱۸۳۳ ده‌گنج یاشیندا اؤلموشدور. بوشاعره‌نین محمد بیگ عاشق، میرزا جان مددوف، میرزا حسن میرزه، اسدبیگ وجعفر قلی خان نواکیمی معاصرلریله دهیشمه‌سی و اونلارا غالب چیخماسی معلومدور. میرزا

جان مددوفلا شعر لشمه‌سی اونون یارادیجیلیغندا مهم بیر یرتوتور.

میرزا جان مددوفون اؤلومو عاشق پریه چوخ تاثیر اتمیش و بو شعرلری دنیایه خطاباً میرزانین وفاتی مناسبتیله سؤیله‌میشدیر:

دنیا سنین اعتبارین یوخ ایمیش — بیر خبر وئر میرزه جانی نیله دین
نئچه بیکلر ایله نئچه خان ایله — گفتارش خوش‌اهل‌ـجانی نیله دین

***

نئچه شهر اوسته جنگ ائدیب ساواش
جاری ائدیب سل یرینه قانلی یاش
فلک ائتدین تاج و تختینی تاراج
نوکر ، نایب ، خانمانی نیله دین

***

پوچ دنیا سنده بیر یارانان هانی — گون بگون‌آرتیردین شوکت وشانی
تفلیسین صاغ الی سردارین جانی — ویران قویوب داغستانی نیله دین

***

او فلکدیر دوگون[1] یری داغلایان — ازل شاد ایله‌ییب صونرا آغلایان
سینه‌سینده شعر وکتاب باغلایان — صاحب هوش،گوهرکانی نیله دین

میرزه جان مددوف (۱۸۸۷) قاراباغ ارمنی‌لریندن ایدی، چاناقچی کندینده آنادان اولموش و ۳۰-۲۰ اینجی ایللرده تفلیس‌ده سردار دیوانخاناسینده مترجم وظیفه سینده چالیشمیشدی. عاشق پری‌نین قاراباغداکی شهرتینی اشیدینجه قاراباغاگلمیش‌وان یوکسك غنائی شعرینی بوگؤزل شاعره‌یه تقدیم اتمیشدی.

تاپمیشام قدسی خلیل ملا هراسانی نئیله‌رم
الده تسبیح ایله زنار و عصانی نئیله‌رم
بیر پری شیدا سیام، عیسی موسانی نئیله‌رم
سؤمه‌رم تورات، زبور سن چالان تاردان دانیش

جانی اوغلو عبدالله داگؤرکملی بیر شاعر ایدی (تاماشا) ردیفلی جیغالی مخمسینده،(کؤنلوم قوشو پرواز ائله) دییه[2] باشلانان شعرینده شادونیکبین حس‌لرینی ترنم اتمیشدیر. او ساتیریك پارچالار، هجولرده یازمیش و بو ساحه‌ده چوخ باجارین گؤستر میشدیر.

---

۱ - توی۲-بوشعرین مطلعی فریدون‌بیگ کؤچرلی‌نین‌ادبیات تاریخینده بئله‌دیر: ای‌ایکی گؤزوم قیل بئله شهبازه تماشا.

ای ایکی گؤزوم قیل بئله شهبازه تماشا
خنجر نکرادیر، هریاره‌سی گؤیچك هرمویه تماشا
موسم‌دی گشاد ائت ایکی دروازه تماشا
خوش صوت ، خوش الحان ، خوش‌آوازه تماشا
بو ناز و نزاکته سرافرازه تماشا
گؤنلوم قوشو پرواز ائله پروازه تماشا

گؤر نئجه گوزلدیر
محبوب ازلدیر
لیلایه بدل‌دیر
مجنونه محلدیر
خوشبویه تماشا
آهویه تماشا
گیسویه تماشا
ابرویه تماشا

***

ای بلبل جان چیخ بله رفتارینا باخ باخ
قیل سیر و سیاحت گل‌گلزارینا باخ باخ
یوزجان‌آلیجی عشوه‌ی‌رخسارینا باخ باخ
گؤرکیم نئجه جاندیر
جان ایچره نهاندیر
منظور جهاندیر
هر غمزه‌سی قاندیر
من اؤلدوم اماندیر
شیرین دیله بیر باخ
نازك بله بیر باخ
شمشاد اله بیر باخ
مشگین تله بیر باخ
عنبر نکرا دیر
کوثر نکرا دیر
رخساره‌سی گؤیچك

گئتمه‌هله بیر باخ

***

گل ایندی سن ائت بو یریشه نازه تماشا
یوز پسته لب و لعل بدخشان بونا پیشکش
یوز لاله عزار آفت دوران بونا پیشکش
جمله نه‌قدر واریسه خوبان بونا پیشکش
عبداله کیمی نئچه غزلخوان بونا پیشکش
دور صحبت میخانه گل سازه تماشا.

بیر حوری ملك‌دیر
قیلمانه کمك‌دیر
بو سیم بیلکدیر
رضوان نه دئمکدیر
رضوان بونا پیشکش
بستان بونا پیشکش
ریحان بونا پیشکش
جوهر نه کارادیر
هم زر نه کارادیر
خونخواره‌سی کویچك
بو جان بونا پیشکش

محمد بیگ جوانشیر عاشقده واقفانه، شوخ شعرلریله شهرت قازانمیش، معاصرلریله شعرلشمیش و عاشق پری‌یه‌حرارتلی شعرلر یازمیشدیر. چارحکومتی‌طرفیندن اوردوبادا سورگون ائدیلن شاعر حیاتی‌نین صون ایللرینده یازدیغی لیریك پارچالاریندا حیاتدان اینجیك و دوشگون بیر روح افاده‌ائتمیشدیر (توبه‌نامه).

قازاخ‌خلق‌شاعرلریندن کاظم‌آتاسالك، مصطفی‌عارف، عبدالرحمن ویلبازاوغلوندان قاباخجادان بحث‌ائتمیشدیك.

منابع و مراجع:

۱ـ آذری ادبیاتیندا تجدد دوری (۱۹۰۰ـاینجی عصر) السلام آنسیکلوپدیسی پرفسور فوادکوپرولو جلد ۲ـاستانبول.

۲ـ آذربـایجان ادبیاتی . احمد جعفر اوغلو . تورك دنیاسی ال کتابی ۱۹۷۷ ـ آنکارا .
۳ـ آذربـایجان ادبیاتی . فریدون بیك‌کؤچرلی . بیرینجی جلد . علم نشریـاتی ۱۹۷۷ـباکو.
۴ ـ آذربـایجان ادبیاتـی تاریخی. ایکنجی جلد.ف . قـاسم‌زاده، محمدعـارف و حیدرحسین‌اوف‌علملرآکادمیاسی، آذربایجان قولونشریاتی ، باکی ۱۹۴۶
۵ـ عباسقلی‌آقا باکیخانلی قدسی‌ـتورك خلق ادبیاتی‌آنسیکلوپدیسی. بیرینجی‌جلد. پرفسور فوادکوپرولو ۱۹۳۵ـاستانبول.
۶ـ عباسقلی آقا باکی‌خانلی‌ـتورك‌کولتور وآیلیق درگی، آرالیق ۱۹۶۴ـآنکارا. حسین بایقرا.
۷ـ آذربایجان مزاح ادبیاتینا بیرباخیش. مصطفی حقی تورکه‌قول. تورك‌کولتورو آیلیق درگی. تموز ۱۹۶۳.

دکتر غلامحسین بیگدلی ـ پروفسور

بزرگان آذربایجان

اورمیه‌لی صفی‌الدین‌حقینده بیرنئچه سؤز

(عالم، شاعر، موسیقی‌شناس و خطاط)

صفی‌الدین عبدالمؤمن‌بن یوسف‌بن فاخرالاورموی (۱۲۹۴ ـ ۱۲۱۶) آذربایجان مدنیتی‌نین گؤرکملی‌نماینده‌لریندن بیری دیر. او ، قدیم آذربایجان شهرلریندن بیری‌ـ اولان، اورمیه‌ده آنادان اولموشدور. اوشاقلیق دؤرونودوغما شهرینده کئچیرمیش، ایلك تحصیلینی‌اورادا آلمیشدیر. گنج یاشلاریندا دؤرونون بؤیوك علم وصنعت اجاقی سایلان ، اوزمانکه اسلام دونیاسینین‌بیلیك ومدنیت مرکزی حساب ائدیلن بغداد ایوللانمیش، «مستنصریه»مدرسه‌سینده تحصیلنی دوام ائتدیر میشدیر .

صفی‌الدین یؤکسك استعداد وامك قابلیتینه مالك اولدوقونا گؤره بیرسیرا فن‌لری مکمل منیم سمیش، ادبیات، شعر، تاریخ، خطاطلیق، نجوم، موسیقی ساحه‌لرینده گنج لیکدن بئله شهرت قازانمیش دیر. مدرسه‌نسی بیتیرنده اوزمانکه یاخین و اورتا شرق‌ده افسانه‌لر شهری سایلان، علم و مدنیت اوجاقی بغداددا تانینمیش و چوخ تئزلیکله بخت اولدوزو پارلاماقا باشلامیشدی، یالنیز گنیش خلق کتیله‌لری‌نین دگیل، هم‌چنین دولت خادملری وشخصاً خلیفه‌نین بئله دقتینی‌جلب ائتمیش، سارایا دعوت ائدیلمیشدیر.

عباسی‌لر سلاله سینین صونونجو، ۳۷ ـ نجی خلیفه‌سی المستعصم‌بالله اونو ئوز خصوصی ندیمی وسارای کتابخانه سینین‌مدیری تعیین ائدیب، عالیمه ایلده بش‌مین دینار حقوق تعیین‌ائتمیشیدی.

صفی‌الدین بو الوریشلی شرایطدن دوزگون‌استفاده ائده‌رك‌بوتون‌وقتینی مطالعه‌یه،

شعره، موسیقی‌یه و دیگر اینجه صنعت ساحه‌لرینه صرف ائدیب دؤلت کتابخانه سینین بؤلمه‌لرینی سهمانا سالیر، بعضی کتابلارین اوزونو تزه‌دن کؤچورور، اصل غذاسینی‌شعر و موسیقی‌دن آلان‌صفی‌الدین بؤیوك‌خطاطلیق مهارتیده گؤسترییر.

بونلارلا برابر مشهور خطاط و عالم رسمی دؤلت جشن وطنطنه‌لرینده اشتراك ائده‌رك ایفا چیلیق رولوندا چیخیش ائدیر، عود چالیر، بسته‌له دیگی گؤزل ماهنی لاری ایله‌همینی حیران قویورموش، بئله‌که، گئت‌گده بغدادخلافتی و عباسی سلاله‌سی زادگانلارنین دقت مرکزینده‌دایانمیش‌و بؤیوك حرمت و نفوذ قازانمیش، شهرتی اطرافا یاییلمیشدیر.

عالم دؤلت خادمی و خلیفه ندیمی اولما قلاکفا یتلنمه میش، گنج نسلین تعلیم تربیه‌سی ایله بلاواسطه عملا مشغول اولموشدور. طلبه‌لری‌نین بیرچوخو صفی‌الدینین موسیقی مکتبینی بیتیرمك سایه سینده ئوز استعدادلارینی گؤسترمگه امکان تاپمیش، صونرالار بوتون‌شرقده تانینمیش موسیقی‌شناسلار کیمی‌یئتشیمیش‌لر. XIII-XIV عصرلرده آذربایجانین‌مشهورموسیقی‌شناسلاری‌وبؤیوك عالمی خواجه عبدالقادرمراغه‌ئی ئوزونون «مقاصدالالحان» اثرینده بوباره‌ده یازیر :

«....مستعصم زمانینین ان گؤرکملی عالم‌لریندن بیری‌اولان عبدالمؤمن‌صفی‌الدین اورموی علم ایله عملین وحدتی رمزی، بیرچوخ گؤرکملی شخصیتلرین‌معلمی‌اولموشدور شرقین مشهور موسیقی شناسلاری شمس‌الدین سهره‌وردی، علی ستائی، حسن زافر و حسام‌الدین قوتلوغ بوغا اونون یتیرمه لریندندیر...» .

لیکن بواوغورلوگونلرین عمرو اوقدرده اوزون سورمه میشدیر. ۶۵۴ (۱۲۵۸م) هجری قمری ایلینده بغداد خلافتی سقوط ائدیر. هلاکوخان قشونلاری یاخین و اورتا شرقین دیگر مدنیت‌اوجاقلاری کیمی بغدادی‌دا ویران‌قویورلار ۶۰۰ ایل لیك اسلام خلافتی نین مرکزی و خزینه‌سی غارت ائدیلیر. شهرین اهالیسی‌کوتلوی قیرقینا معروض قالیر. آنجاق صفی‌الدینین‌عقللی بیرتدبیری اونون یاشادیقی محله‌ده اهالینی قیرقیندان خلاص ائدیر...

باش سرکرده هلاکوخانین‌حضورونا چاغریلان صفی‌الدین ئوزونو مرد و مدرك آپاریر. مغول خانی عالمی ساراینا دعوت ائدیر. او، ائله بوزمان ایلخانیلرین ۱۳۳۵-۱۲۵۶ باش وزیری صاحبدیوان شمس‌الدین محمد جوینی ایله یاخیندان تانیش اولوب، اونون طرفیندن بغداد دیوانخانه‌سینین رئیسی تعیین ائدیلیر. بیرنئچه ایل بووظیفه‌نی داشیان صفی‌الدین XIII - عصرین ۷۰ - نجی ایللرینده تبریزه گؤندریلیر. اورادا صاحبدیوان شمس‌الدین محمد جوینی‌نین اوغلو شرف‌الدین خواجه هارون بن صاحب - الدیوانین تعلیم وتربیه‌سی‌ایله مشغول اولماغا باشلایر. خصوصاً اونون‌موسیقی‌تعلیمی‌نه

داهاآرتیق دقت‌یئتیریب، ئوزونون مشهورموسیقی‌تراکتاتی اولان «رسالهٔ شرفیه» اثرینی بوزمان‌قلمه آلیب. اونوشرف‌الدینه‌اتحاف‌ائدیر.

آنجاق جوینی قارداشلاری‌نین(شمس‌الدین‌صاحبدیـوان و علاءالدین عطاء ملك) گؤزله نیلمز وفاتلاریندان صونرا وضعیت تمامیله ده‌گیشیر، صفی‌الدین قوجا یاشلاریندا ینی‌ده‌ن وطنی ترك ائدیب بغدادا قایتماقامجبور اولور. بورادا اونون‌وضعیتی گئت‌گئد، آغیرلاشیر. مرتجع دایره‌لر نماینده‌لری بوعلم، شعر، موسیقی و مدنیت سرکرده‌سینی‌لکه له مگه، اوندان نئجه دییرلربیرنوع إنتقام‌آلماغاجان‌آیترلار. هشتاد یاشلی‌بواستادهرجور آغیر تضییق‌لره معروض قالیب، احتیاج ایچریسینده یاشاییر. بوعالیجناب انسانی ۳۰۰ دینار بورجوندان ئوترومحکمه‌یه جلب‌ائدیب‌بغداد قاضی‌سی‌نین محبسینه سالیرلارمعنوی عذابلارا معروض قالان قوجا صنعتکار نهایت ۶۹۴ (۱۲۹۵-۱۲۹۴) هجری قمری‌ایلینده حبس‌ده وفات ائدیر. آنجاق‌بوفاجعه‌لی ئولوم ایله عالمین‌حیات دفتری قاپانمیزصفی‌الدین بؤیوك علمی‌دگره مالك اثرلری ایله ابدیته قوشور.

عالیمین‌اختراعلاری و ایفاچیلیق قدرتی

صفی‌الدین کلاسیك شرق موسیقی‌نظریه‌سی‌نین‌بانـی‌لریندن بیری دیر او. شرقین ان‌گؤرکملی موسیقی خادملریندن دیر . صفی‌الدین هم نظری، هم ده پراتیکی جهت‌جه چوخ استعدادلی‌صنعتکار اولموشدور. اونوبیرچوخ‌قدیم شرق موسیقی تاریخی‌متخصص‌لری «علم و عمل کیشی‌سی» آدلاندیرمیشلاد.

صفی‌الدین‌ارموی‌ایکی‌گؤزل‌چالغی‌آلتی‌نین اختراعچیسی‌دیر. بونلاردان‌بیرینجی‌سی **«النزهت»**آدلانان قانونا بنزر موسیقی‌آلتی اولموشدور، دیگری‌ایسه **«المغنه»**آدلانان قوسی عود دور.

صفی‌الدین هم‌ده چوخ مهارتلی بستکار[1] ایمیش. گؤزل ماهینلار[2] بسته‌له‌میش‌دیر. بونونلا برابر یوکسك‌ایفاچیلیق[3] قابلیتینه مالك اولموشدور. اونون بسته‌کارلیق مهارتی و ایفاچیلیق قدرتی حقینده تاریخ صحیفـه‌لرینده ماراغلـی[4] معلوماتـلارا راست گلیریك **«فوات‌الوفیات»** کتابیندا صفـی‌الدینین بستکارلیقـی باره‌ده یازیلمیشدیر: «بیرگـون مستعصم‌باالله سارایی‌نین‌ان مشهورخواننده‌سی لحاظ خلیفه‌نین حضورونداکـی طنطنه‌لی مجلسده‌گؤزل بیرماهنی اوخودو، مجلس‌اهلینین دقتینی جلب ائدیب هامینی حیران‌قویدو خلیفه اونـدان ماهنی‌نین کیم طـرفیندن بسته‌لندیگینی صوروشاندا مغنـی قیز: «استادیم صفی‌الدین دیر» دییه جواب وئردی. بوحادثه‌بستکارین نفوذونوداها دا آرتیردی».

صفـی‌الدینین شخصی‌ایفاچیلیق مهارتی‌ده چـوخ یوکسك اولموشدور. او، عـود

۱ـ آهنگساز ۲ـ ترانه ۳ـ اجرا ۴ـ جالب

چالماقدا اوقدر مهارتلی ایمیش که، بیرسیرا افسانه‌وی حکایت‌لرین یارانماسینا سبب اولموشدور. بوحکایتلرین بیرینده دئییلیرکه، شرطه گؤره اوزون مدت سوسوزساخلانیلمیش بیردوه‌نی بولاغ باشینا گتیریرلر، اونو سویا بوراخیرلار. ائله بوزمان صفی‌الدین عود چالماغا باشلاییر. سواوستونه یوگورن دوه عودین‌سینه آیاق ساخلاییر، نغمه بیتندن صونرا ائشه سوایا طرف اوزتویور. صفی‌الدین‌ینی‌دن‌عودونودیللن دیریب، دوه‌نی‌یولوندان ائدیر. بوحادثه اوچونجو دفعه‌ده تکرار ائدیلدیکده دوه‌نین گؤزلریندن ایری ـ ایری یاش دامالالاری ـ آخماق ـ تؤکولولمه‌گه باشلاییر.

«مجموع مخطوط» آدلی کتابدا صفی‌الدینین موسیقی مهارتینه دایر گؤزل ملاحظه‌لر واردیر: اثرده اوخویوروق: «سؤز سوزکه صفی‌الدین موسیقی صنعتینده کمالا یتیشمیشدیر. او، نغمه‌توشوب ماهنی بسته‌له‌مکده، مقام چالماقدا، ینی ـ ینی نظری ملاحظه‌لرسؤیله‌مکده فوق‌العاده قدرته مالك بیرشخصیتدیر. **او، موسیقی‌اشاره‌لرینی (نوتو) اورتایا چیخاران ایلك عالم دیر....** او، عود چالماقدا ئوز زمانینداعوض سیزدیر. XIV ـ عصرین‌باشلانقیجیندا یاشایان بیرعالم‌صفی‌الدینین مجلس‌لری‌نین‌بیرینده اشتراك ائدیب، حادثه‌یی‌مشاهده ائدنلردن بیری‌ایله دانیشمیش دیر. مشاهده‌چی‌دئمیشدیر «ـ بیرگون روزگارین علامه‌سی، هنر و صنعتین آتاسی استاد صفی‌الدین عبدالمؤمنین حضوروندا بغدادین یاراشیقلی باغلاریندان‌بیرینده ایمیش. استاد عود چالیرمیش. موسیقی نین گؤزل صداسی یاخینلیقدا پرواز ائده‌ن بلبلو جلب ائدیر. قوش اوچوپ قارشیداکی بوداغاقونور، سسه‌یاخینلاشیرصونرا داهایاخین‌لاشیب موسیقی دینلینلرین لاپ‌یانینا گلیر نهایت، سؤینجندن جوشوب قانادچالماقا باشلایر. واز گوجوایله عودون سیسنه سس‌وئریر آخردا اوقدر شیدا اولورکه، گلیب آدامларین آراسیندا ئوتور. اوخویور»...

استادین اثرلری

صفی‌الدینی‌ابدی شهرته چاتدیران اثرلری اساساً موسیقی و شعر نظریه‌سینه حصر ائدیلمیشدیر. اونون الیمیزده اولان ایلك علمی اثری تبریزده یاشادیغی زمان یازدیغی **«رسالهٔ شرفیه»** آدینی داشی‌ییر. قید ائتدیگیمیز کیمی مؤلف بواثرینی صاحبدیوانین اوغلوشرف‌الدین هارو نا اتحاف ائتیمیشدیر. آنجاق ملاحظه میزه گؤره بوندان قاباقدا صفی‌الدین اثریازمامیش دگیل. چونکه تبریزده او، تخمیناً ۵۰ یاشلاریندا ایکن‌یاشایب یاراتمیش دیر. اولابیلمزکه، صفی‌الدین کیمی قدرتلی موسیقی شناس بیرعالم اویاشا قدر بیرشی یازماسین. لیکن‌هله‌لیك بوباره‌ده استناد ائده بیله‌جگیمیزهئچ‌بیرسند، ثبوت‌یوخدور بونا گؤره‌ده الیمیزده‌کی کتابی هله‌لیك عالیمین ایلك اثری‌کیمی تقدیم ائدیریك. اولسون گله‌جکده عالم و تدقیقا تجیلار بوباره‌ده سویندیریجی سندلر اورتایا چیخاریب شاد

خبرلروئرسین‌لر.

صفی‌الدینین ایکینجی اثری عرب دیلینده یازدیقی **«کتاب الادوار فی‌معرفته ـ الغنم والادوار»** آدلانیر. خیردا حجملی، اون‌بش فصل‌لی بو اثرین فوتو صورتی ایلك دفعه ۱۹۶۲/۱۳۷۱/ هجری قمری ایلده بغداددا **دکتر حسینعلی محفوظ** طرفیندن نشرائدیلمیشدیر. ناشر اثره چوخ معنالی و یقجام مقدمه‌ده یازمیشدیر. اونون بودگرلی خدمتینی علم و مدنیت‌دنیاسی‌نین، خصوصی اولاراق آذربایجان خلقینه‌بؤیوك تحفه‌کیمی قیمت لندیرمك لازم دیر.

اثرین مختلف فصل‌لرینده نغمه‌نین تعریفی، پرده‌لرین یری و مسافه‌سی، مسافه‌لرین نسبتی حقینده دانیشان مؤلف، همچنین مقام و اونون نسبت‌لری، جوت وترلی لیك، بیر پرده‌دن دیگرینه گئچمکده وترلردن نئجه استفاده اولونماسی ، عود وترلری‌نین تنظیمی، اوندا مقام ملودیالارنین نئیجه آلینماسی باره‌ده دقیق فکرلر یورودوب تعلیم‌لر وئریر. کتابدا ۱۲ مقامین آدی، ایضاحی وجدولی وئرپلیر . وترنغمه‌لری نین چوخ سس لی‌لیگی و قارشیلیق‌لی تأثیری، پرده‌لرین زیل، بم خصوصیتلری، ریتم‌لر، نغمه‌نین تأثیری، صنعتکارلیق مهارتی و سایره مؤلفین دقت مرکزینده دایانمیش دیر .

«الادوار» آدلی آلتی فصل ده‌ن عبارت بیرموسیقی اثری ده عثمانلی تورك دیلینه ترجمه‌ائدیلمیش‌دیر بعضی عالم‌لرهمین‌اثری‌صفی‌الدینین ۱۵ فصل‌دن‌عبارت اولان«الادوار» اثری احتمال ائده‌رك‌بیرسیرا یانلیش وغیرعلمی ملاحظه‌لر سؤیلمیش‌لر[۲]. بواحتمال‌اساس سیزدیر چونکه همین اثر آلتی فصل‌ده‌ن عبارت اولدوقو حالدا، صفی‌الدینین عین آدلی اثری ۱۵ فصل‌ده‌ن عبارتدیر. بیرده‌که، ۶فصل‌لی «الادوار» عربجه‌ده‌ن دگیل، فارسجادان عثمانلی تورکجه‌سینه‌ترجمه اولموشدور، حالبوکه، صفی‌الدین ئوز اثرینی عربجه قلمه آلمیش‌دیر. چوخ گمان که، بوآلتی فصل‌لی اثرصفی‌الدین ارموی‌دن خیلی قاباق‌یاشامیش **ابونصرفارابی‌نین** دیر. آنجاق هئچ بیر تردید ائتمه‌دن دئمك اولار که، آلتی فصل‌لی «الادوار» اثری صفی‌الدینین دگیل. ارمویه عاید اولان ۱۵ فصل «الادوار»اثری دیرکه، فوتوصورتی دکتر محفوظ طرفیندن نشرائدیلمیشدیر.

عالیمین‌فارس دیلینده یازدیقی **«الایقاع»** اثری اوچونجو؛ عربجه قلمه‌آلدیغی **«الکافی من‌الشافی»**[۱] اثری دوردونجو ونهایت‌ینه‌ده‌عرب‌دیلینده یازدیقی **«العروض و القوافی والبدایع»** اثری بشینجی‌اثری دیرکه، هله‌لیك بواثرین‌هارادا اولدوقوعلم عالمینه بللی‌دگیل‌دیر. آنجاق گؤرکملی علم ومدنیت خادمیمیز مرحوم محمدعلی‌تربیتین

۱ـ بواثری «الکافی من‌الثانی» ده آدلاندیران لاروار.

۲ـ باخ: «ادبیات و اینجه صنعت» گازتی. باکی، ۱۹۶۷، ۱۹ ـ اوت

مشهور «دانشمندان آذربایجان» اثرینده وئردیگی معلوماتا گؤره بواثری ده عالیمین «الابقاء» اثرینی ده هجری قمری IX عصرین تورک عالمی شکرالله احمد اوغلو عثمانلی تورکجه سینه چویریب. همین ملاحظه نی تصدیق ائده ن XX میلادی عصری نین اوللرینده تورکیه ده نشر اولونان «شهبال» مجموعه سی اولموشدور.

بونوقید ائده ك که، بیزوقتیله زاکاتالا شهر موزینده اولدوقو موز زمان «الکافی ـ من الشافی» آدلی خطی بیر موسیقی اثرینه راست گلدیك، بونادر وقیمتلی اثرحقینده باکی دا نشر اولونان «قوبستان» تـوپلوسوندا چیخیش ائتدیك[1] بومثل سیز اثـریـن باشلانقیج صحیفه لری اولما دیقینا گؤره اونون مؤلفینی معین ائ شدیرمك اولمادی. اگر بواثر صفی الدین ارموی نین عینی آدلی اثری دیرسه، اگـر بو احتمال دوغروچیخـارسا همین کتاب موسیقی مدنیتیمیزین نمایشی اوچون دونیامقیاسیندا اهمیتلی بیر کشف وبیوك بیر تاپینتی دیر.

آیدین دیر که، قیسا بیر مقاله ده صفی الدین ارموی کیمی بؤیوك و چوخ جهتلی بیر عالم حقینده دولغون وبیتگین ملاحظه سؤیلمك اولدوقجا چتین دیر ـ آنجاق بیز چالیشاجاییق که گله جك یازیلاریمیزدا بشریت وبوتون دونیا افتخاری سایلان بوعالمین شخصیتی واثرلری حقینده داها ماراغلی معلومات وئره ك .

۱ـ قوبستان اینجه صنعت مجله سی. باکی ۱۹۷۶ نمره ۱ صفحه ۲۴

ت-پیرهاشمی

ملا احمد مقدس اردبیلی

ملااحمداردبیل‌شهرینین یاخین‌لیغینداکی‌نیارکندبنده‌ودوغولوب وآقاسی‌محمددور. محقق شوشتری اونی بئله تانیندیریر: «مولی احمدبن محمد اردبیلی شیخ‌اکمل، افضل، اعلم، اوحـد، اتقی، ازکی، ازهـد، اسعد، فقیه، مفسر، متکلم، متبحر، عظیم‌الشأن... که اونون شأنینده خلقین ذهنی حیران واساتید علمانین قلمی‌ناتوان‌دور.» سیدخوانساری دئییر: «احمدبن محمدآذربـایجانی ثقه و جلالت، فضل و نجابت، زهد و امانت، ورع و امانت‌ده مشهور و ملکوتی ذات و صفاته مـالك اولدیغی عالمده ضرب‌المثل‌دور. حسن خلق‌ده پیامبر اسلام‌کیمی، شجاعتده علی علیه‌السلام‌کیمی و سخاوت‌ده حاکم‌کیمی‌دور.»

مقدس اردبیلی‌نین‌نفوذ و شخصیتیندن چوخ داستانلار نقل‌ائدیبلر اوجمله‌دندورکی بیر شخص شاه عاباسین یانیندا مقصر تانینوب قورخوسیندان نجف شهرینه‌پناه‌آپارمشدی مولانا مقدس اردبیلی‌دن تقاضا ائـدیرکی، شاه عباسه بیرمکتوب‌یازسین تا سلطان اونون تقصیرلندن‌کئچسین. مقدس اردبیلی شاه عباسه یازیر:

«بانی ملك عاریت عاباس، بدانکه: اگر چه این مرد اول ظالم بوده اکنون مظلوم مینماید چنانچه از تقصیر اوبگذری شاید حق سبحانه پاره‌ای ازتقصیرات توبگذرد. کتبه بندهٔ شاه ولایت احمد اردبیلی.»

شاه عباس جوابینده یازیر: «بعرض عالی میرساند عباس، خدماتی‌که فرموده‌بودید بجان منت داشته بتقدیم رسانید، امید است‌که این مخب را از دعای خیرفراموش نکنید. کتبه‌کلب‌آستان علی علیه‌السلام عباس.»

هابئله خلقین اونا اولان ایمان واعتقادی باره‌سینده یازیرلار: مقدس‌اردبیلی‌بیرسیده اعانت ائتمك ایچون شاه طهماسبه بیرمکتوب یـازیر، مکتوب شاهه چاتیر شاه مکتوبون

احترامنه یریندن قالخیر، نامه‌نی اوخویور گؤرور اردبیلی اونی قارداش خطاب ائدیبدور، شاه طهماسب کفنین ایسته‌یبر و اومکتوبی کفنی‌نین آراسینا قویور وصیت ائدیر کی: منی دفن ائدنده بومکتوبی‌منیم باشیمین آلتینا قویون تا نکیر و منکر مندن سورغوسؤال ائلینده دئییم من اوکیمسه‌یم کی ملااحمد اردبیلی منی قارداش خطاب ائدیب‌دور.

مقدس اردبیلی الدوقجا متواضع بیرانسان اولوبدور و اونون تواضعی حقینده یازیرلارکی عالم صالح مولی وعبداله شوشتری که ئوزی اعاظم علما دندور هر وقت اردبیلی‌دن بیرمسئله صوروشوردی اردبیلی بحث آراسیندا دایانوب دئییردی گرك کتابه رجوع ائله‌یم. صونرا شوشتری‌نین الیندن دوتوب نجف شهریندن قیراغا گتدیردیلر اوردا مسئله‌نی مطرح ائدیب شوشتری‌نی قانع ائدیردی. بیرگون شوشتری صوروشوربوسؤزلری نیه من صوروشان وقتده بیان ائلمیرسیز؟

اردبیلی جواب وئریر چون اوردا خلق ایچینده‌ییك ممکن دورمنده بیر غروروتکبر ظاهر اولا اما ایندی آللاهدان باشقا بوردا بیرکیمسه یوخدور.

مقدس اردبیلی‌نین ایگیرمی‌دن آرتیق تألیفاتی وار دور، اونلارین ان مشهوری (مجمع‌البرهان فی شرح ارشاد الاذهان) فقه‌ده معروف ومشهورکتابلاردان‌دور. اردبیلی کتابلارینین بیرین فارسی، ایکی‌سین تورکی وقالانین عرب دیلینده‌یازیبدیر. تورك دیلینده یازدیغی کتابلار بونلاردور:

۱ـ عقایدالشیعه که فارس دیلینده‌ده ترجمه اولوبدور.

۲ـ خلاصه که عبدالرحیم حزین شیروانی فارس‌دیلینه ترجمه ائدیب وسراج‌القلوب آدلاندیریب و علی‌بن تقی عرب دیلینه ترجمه ائدیب و ۱۳۲۱ هجری قمریده تبریزده چاپ اولوبدور.

(فهرست کتابخانهٔ دانشگاه جلد ۱۲ صفحه ۲۶۳).

مقدس اردبیلی‌نین شعرطبعی‌ذه وارایمیش، تورکی شعرکی تقسیم ممکن بجواهرخمسه و اعراض تسعه باره‌سینده مقدس اردبیلی یازیبدورآشاغادا اوخوروق:

هر نه موجودات نفس الا مرده وار ای عزیز
ایکی اصله جمله‌سی برهان ایله مقسوم اولور
بیریسی واجب‌دور اونون، داخی ممکن اول بیری
لیك واجب بیر دور و ممکن ایکی مفهوم اولور
بیرینه جوهر دئییرلر، اول بیری عرض اولور
داخی جوهر میقسم بش اسمیله موسوم اولور
بیری عقل و بیری نفس و بیریسی جسم اونلارین
داخی صورت‌دور، هیولا، هر بیری معلوم اولور

پس عرض دئدیکلری عقلیلـه دوتقوز قسم دور
جملـه‌سی ترتیب‌لـه بـو نظمده منظـوم اولور
کیف دیرلر مطلقا هـر عیب و الوان جنسینه
کم دیرلـر هرنـه کیم مقداردن مفهوم اولور
ایکی نسبت‌دور متی و این حاصل جسم ایچون
کـه زمـانیله مـکانـدا سائلـه مفهـوم اولور
وضع اول هیئت دو کیم شرکـت اعضاء ایله
یاتماق و دورماق کیمی موجود اولور معدوم اولور
پس اضافت دور بیری داخی عروض تسعه دن
که آتا ایله اوغول تـك لازم و ملزوم اولور
ملك اول هیئت‌دوکیم حاصل اولور بیرجسم ایچون
دون ایله تورشاق کیمی منقول اولور ملزوم اولور
یوخ ایدی بونلار تمامی واریدی حق بی‌گمان
پس قدیم اولدورقالان موجود اولور معدوم اولور[1]

اردبیلی‌نین (ابوصالح تقی‌الـدین محمد) آدلی بیراوغلی‌واریمیش‌کـه اودا بؤیوك عالملردن اولوبدور.

اردبیلی۹۹۳ هجری قمریده نجف اشرف‌ده وفات‌ائدیب نخبة‌المقال کتابی‌نین‌مؤلفی ارنون وفات تاریخینی‌آشاغاداکی عربی شعرده تعیین ائدیب‌دور:

الاردبیلی من‌الافاضل — منه استفاده صاحب المعالم
مقدس ذوورع وعفه — وفاته فی الالف الا سبعه

اردبیلی‌نین درس‌حجره‌سی‌کی بؤیوك عالم‌لراوردا تربیت‌اولوبلار اونون احترامنه باغلی و ایندیه قدرآچیلمیبدور.

هابئله مسجدی و اوتوردیغی ائوی هله‌ده معروف و مشهوردورائوی مسجدی‌نین یانیندا نجف‌ده (رباط عماره) محلـه‌سینده ایندی فضیلت و علم و ادب‌لـه معروف اولان آل‌یاسین خانواده‌سینین اختیارینداادور[2].

۱ـ بیله نظره گلیر بوشعردن بیر بیت قلمدن دوشوبدور چون‌اغراض‌تسعه: (کیف، کم، متی، ایـن، وضع، اضافـت، ملك، فعل، انفعال) دان عبارتدور و بو شعرده فعل و انفعال‌دان آدآپاریلماییبدور.

۲ـ بو مقاله‌نین مطالبی (تاریخ اردبیل و دانشمندان‌آن)کتابیندان خلاصه‌وترجمه اولوبدور.

سون



سماحة العلامة الكبير وريد عصره الشيخ احمد الاردبيلي المتوفى سنة ٩٩٣

استاد شهریاردان:

بهجت‌آباد خاطره‌سی

اولدوز سایاراق گؤزله‌میشم هر گئجه یاری
گئج‌گلمه‌ده دور یار، گنه اولموش‌گئجه یاری
گوزلر آسیلی، یوخ نه قارالتی نه ده بیر سس
باتمیش قولاغیم گؤرنه دوشور مکده‌دی داری
بیر قوشِ آییغام سویلویرك گاهـدان ایگیلدر
گاهدان اونیدا یل دییه لای‌لای هوش آپاری
یاتمیش هامی بیر آلله اویاقدور داها بیرمن
مندن آشاغـا کیمسه یوخ، اوندااندا یوخاری
قورخوم بودی یار گلمییه بیردن آچیلا صبح
باغریم یـاریلیر صبحیم آچیلمـا سنی تـاری
دان اولدوزی ایستر چیخا گؤز یالواری چیخما
او چیخماسادا اولدوزومون یوخدی چیخاری
گلمز تـانیرام بختیمی ایندی آغـارار صبح
قـاش بثله آغـاردیقجا داهی باش‌دا آغـاری
عشقین کـه قـرارییندا وفـا اولمییاجـاقمیش
بیلمم کـه طبیعت نیه قویموش بو قراری؟
صانکه‌خوروسون سون‌بانی خنجردی سوخولدی
سنیمده اوره‌ك وارسا کسوب قیردی داماری
اولدوم قره‌گون آیـریلالی اول ساری تلدن
بـونجا قـره‌گونلردی ایـدن رنگیمی ساری
ریشخندیله قیرجـاندی سحر سویلدی دورمـا
جان قورخوسی‌وار عشقین اوتوزدی بوقماری
گؤز یاشلاری هر یئردن آخارسا منی توشلار
دریـایه باخـار بللیدی چـایلارین آخـاری
محـراب شفقده اؤزومی سجـده‌ده گـوردوم
قان ایچره غمیم یوخ یوزوم اولسا سنه ساری
عشقی واریدی شهریارین گوللی چیچکلی
افسوس قضاووردی خزان اولدی بهاری

دکتر حمید نطقی

اونوتدوم...

دربدر لیگیمین دولانباچلی[1] یوللاریندایدیق
بیزدن ایراق
هیسلی بیر لامپایدی سؤئن شفق
لاپ یانیمیزدان
آخیردی گورولتی ایلن زمان...
نه ایچون قارانلیق گلیر منه اوآیدین آنلار؟
نه ایچون دومانلاردا ایتمیش خاطرالار؟
آددیملاریمی سئچه بیلمیرم
اوزونی گؤره بیلمیرم
نئچه دیرماندیق او سرت[2] و دلی قایالارا؟
که انیشیمیز بیر شلاله[3] ایدی پرواسیز و نشئه‌لی.
ماهنی‌لاردا دالغالانیردی سرخوشلوغوموز
سربست[4] کپه‌نکلرله وحشی لاله‌لرله.
اوزاقدا توستوله‌نن قارانلیقلاردایدی تاسالاریمیز[5]
اوزاقدیق زنجیرلریمیزدن
دوزو-دوزو[6] مزارلاریمیزدان
نفس چکیردیم
کؤنلومجه یاشایاراق...
نئچه اونوتدوم دالیسینی؟...
نئچه اونوتولا بیلیر حکایه‌نین ان ماراقلی نقطه‌سی؟
ایندی او اونوتولموش بسته‌نین
صینیق صالخاق پارچا-تیکه نغمه‌لری اووجلاریمدا
نه آتا بیلیرم
نه صاتا بیلیرم:

تهران-اردیبهشت ۱۳۵۶

۱- پیچ و خم لی. ۲- سخت و سفت. ۳- آبشار. ۴- آزاد.
۵- نگرانی. ۶- ردیف ردیف.

توپلایان: ع. منظوری خامنه‌ای

آتالار سؤزی

عائله خوشبختلیگین آچاریدیر.
صنعت انسانین خزینه‌سیدیر.
بیر عقللی‌باش مین‌باش ساخلار.
استادینه کج باخانین، گؤزلرینه قان دامار.
اوشاق عزیز، تربیه‌سی اوندان عزیز.
بالآ بالدان شیرین‌دیر.
عقل یاشدا دگیل باشدادیر.
تك الده‌ن سس چیخماز .
هر شئیون تازاسی، دوستون کهنه‌سی.
یوز ئولچ، بیر بیچ.
آنلایانا قول اول، آنلامایانا آقا اولما.
هرکسه امه گینه گؤره، هرکسده‌ن قابلیتینه گؤره.
الده الجه‌ك انقلاب ائتمه‌ك اولماز.
انسان انسانین دوستدیر.
هامی بیری اوچون، بیری هامی اوچون.
امه‌ك انسانین زینتی‌دیر.
صونراکی پشیمانچیلیق فایدا وئرمه‌ز.
یاغیشدان چیخدیق یاغمورا دوشدوك (کولکلی یاغیش).
دوغرویا زاوال یوخدور.
یالانچی‌نین ائوی یاندی، هئچ‌کس اینانمادی.
ایت ایله دوستلوق ائله، چوماغی الده‌ن قویما
یالان سؤزون آخیری اولماز.
یاخشیلیغایاخشیلیق هرکیشی‌نین ایشیدیر. یامانلیغا یاخشیلیق، ارکیشی‌نین ایشیدیر.
جوجه‌نی پاییزدا سایارلار.
ده‌وه‌دن یؤیوك فیل‌وار.
کلك‌له گله‌ن، کولك‌له گئده‌ر.
یالانچینی منزلینه جك قووارلار.
وطن ویران اولسادا جنت‌دیر.
دوست‌سیز انسان، قانادسیز قوشدور.

دوست گلیشی بابرام اولار.
بو گونون ایشینی، صاباحا قویما.
آللاه الی هرالده‌ن اوجادیر.
کؤر لکلك‌ین یوواسینی آللاه تیکه‌ر.
میخی میسمار ائله‌یه‌ن آللاه‌وار.
سن سایدیغینی‌سای، گؤر فلك نه ساییر.
قیزیلدان تختون اولونجا، بیر قوروجا بختین اولسون.
ایشله‌مه‌ین، دیشله‌مه‌ز.
ایش آدامین جوهریدیر.
چالیشقان نه‌یه ال ووارسا قیزیل اولار.
قالان ایشه قاریاغار.
زحمت چکمه‌ین بال یئمه‌ز.
کؤنلی بالیق ایسته‌ین، آیاغینی سویاسالار.
ائل گرجو، سئل گرجو.
دمیری ایستی‌ـایستی دؤگرلر.
تنبله‌ن‌سوایسته‌سن حکیملیك ائده‌ر.
تنبله ایش بویور، اوسنه عقیل ئوگره‌تسین.
اورتادا یئیب قیراقدا گزه‌ر.
آدامـلارین قورخوسیندان دوغرو دئمه‌ك اولمور، آللاهین قورخوسیندان یالان.
کیمی‌نین باشیندا تاج، کیمی‌آج، یالاواج.
کیمه لوو، کیمه پلوو.
کیمینه چات‌چات، کیمینه‌آج‌یات.
بیریسی اطلس گئینمیش ساچاقلی، بیریسی تاپمایییر تومان یاماقلی.
بیری ایشله‌ر، اون بیری دیشله‌ر.
کدخدانی گؤرکندی چاپ.
آج بگ‌ده‌ن، توخ‌ایت، یاخشیدیر.
یئرپگون، یورد خانین، ایشله هئی چیخسین جانین.
دوست‌سیزآدام کؤك‌سیزآغاج کیمیدیر.
دیلینه گوج‌وئرمه، ایشینه گوج‌وئر.
دوستدان‌آیریلان یئددی ایل‌آغلار، وطنده‌ن‌آیریلان ئوله‌نه‌جك .
قلمین اوجوندا، قیلینج گوجووار.
یولی گئده‌ن باشاووزار.
صویا بیخیلان ایسلانار.
یولچی یولدا گره‌ك.

آذربایجانین عاشیقلارینا تقدیم:

«آند»

آند اولسون ژاله‌ده[1] آخیلان قانا
آند اولسون زنجیره ، قارا زندانا
آند اواسون آرزوسو ئولن انسانا
آند اولسون شرفه، قولا،وجدانا
وطن شوکشینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون خلقمین پاك مرامینا
آند اولسون‌مردلرین دوز کلامینا
آند اولسون اؤلکه‌مین اولونامینا
آند اولسون شهیدین صون پیامینا
وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون آنالار محبتینه
آند اولسون آتانین پاك نیتینه
آند اولسون عابدین عبادتینه
آند اولسون مجاهد شهادتینه

---

۱ ـ میدان ژاله

وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون حرمتلی مقدساته
آند اولسون دنیایه حیات، مماته
روز رستاخیزه، روز میقاته
آند اولسون دعایه، صوم و صلاته
وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون پائیزا، آند اولسون یازا
آند اولسون صمدی بوغان آرازا
آند اولسون عاشیقلار چالدیغی سازا
آند اولسون معشوقون ائتدیگی نازا
وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون فرعونی بیخان موسایه
اؤلییه جان وئرەن نبی عیسایه
آند اولسون مسجده هم‌کلیسایه
قانلی فلسطینه، جامع اقصایه
وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون یتیم‌لر چکن آەلارا
قانینا بولاشان آزادلیخواه لارا
آند اولسون باغلانان دانشگاه لارا
آند اولسون مقدس قبله گاهلارا

وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

***

آند اولسون وطنین قهرمانینا
بابکه، روزبهه، ستارخانینا
حنیف‌نژاد لارین عزیز جانینا
ایرانا وئردیگی تمیز قانینا
وطن شوکتینه، وطن شانینا
قانیمی قاتارام ملت قانینا.

غلامرضا مجدفر

۶ بهمن ۱۳۵۷-تهران

دنیا داشارانلیقلار اگر جمع اولا باهم
بیر خیرداجا شمعین‌ایشیغین سؤندوره بیلمز
حق صوکیمی در یایا آخیب یول تاپاجا قدیر
داش آتماقیلان کیمسه او نودؤندره بیلمز

آدسیز شاعرلریمیزدن

۱۰ بایاتی

۱
باغلاردا گول اولایدیم
گوله بولبول اولایدیم
دوستومون اوجاغیندا
یانایدیم کول اولایدیم

۲
من عاشیق اوجا داغلار
قار اولار اوجا داغلار
گوندوزون غم-غصه‌سی
باغریمی گئجه داغلار

۳
گئجه‌لر آی گئجه‌لر
ظولوماتای گئجه‌لر
دردیمی کیمه دئییم
چیخماسا آی گئجه‌لر

۴
«عزیزی‌یم مئی قانلی»
اوره‌ك پارا نئی قانلی
من تبریزده اؤلسم‌ده
تهران قانلی ری قانلی

۵
گؤزومی دومان آلدی
کؤنلومی گومان آلدی
قبریمین اوستونده کی
بیتن گول گومان آلدی

۶
عزیزیم آناقوینی
قدریمی ساناقوینی
قورخورام نیسگیلیمده‌ن
اود دوتوب یاناقوینی

۷
دولایدان دوزه گلدیم
یئنه‌ده سیزه گلدیم
یوزمینله گلمز ایدیم
بیر کلمه سؤزه گلدیم

۸
ائوینیز آباد اولسون
کؤنلونوز گشاد اولسون
من بیر شامام یانارام
دوست اوره‌گی شاد اولسون

۹
ائلچینم ائله بندم
«بولبولم گوله بندم»
کؤنلومی آلان اولسا
«بیر شیرین دیله بندم»

۱۰
عزیزیم اونا یئتدی
بایاتی اونا یئتدی
«غم یئمه دلی کؤنلوم»
گئجه میز صونا یئتدی

بهرام-ائلچین ۵۸/۱۰/۱۳

(شوشالی خان)[1]

آتمیش ایل روحلاری اوخشاردی ملاحتلی سسین
سنین اول گور نغسین
یوردوا، خلقیوه باغلیدی پاك عشقین، هوسین
سئودین ائلی غنعنه‌سین

***

سن او خراطقولونون، ممد حسنین یادگاری
شوشانین افتخاری
سسیوی هر ائشیدن یاده سالاردی باهاری
ای ائلیمین وقاری

***

بو ائلین ماهنی، موقاماتینا بیر سلطان ایدین
نه مرکب‌خوان ایدین
سسیوین زیل وبمیله نئجه خوش الحان ایدین
دوغرودان سن‌خان ایدین

***

۱- بوشعر ساوالان طرفیندن‌شمالی آذربایجانین گؤرکملی خوانندەسی‌شوشالی‌خانین اؤلومومناسبتیله یازیلمیشدیرشوشالی‌خانین‌اصل‌آدی **اسفندیاراصلان‌اوغلوجوانشیر** دیر و خان لقبی، سسینین ابوالحسن‌خان اقبالین سسینه بنزه دیگی واونون‌سسی‌قدرصاف وگؤزل اولدوغو ایچون اونا وئریلمیشدیر.

تاپدین ئوز موسیقیوین اینجه روموزاتینا ال
ایشلرین اولدوتمل
یادلارین گوشه‌لرین ائیله مدین اصله بدل
نه‌گؤزلدیر بو عمل

***

اصل ایدین سؤیله‌مدی‌کیمسه‌کی، خان اصلین‌آتیر
ائلی یادلارا صاتیر
ایندی بعضی اوخویان عنعنه‌سین، خالقین‌آتیر
بدلی اصله قاتیر

***

اوخویانداگؤروسن خارج اولورگوشه‌لری
ئوزگه دور نغمه‌لری
کؤکونو صاخلاماغا یوخدو دییرسن هنری
بالاقاتمیش زهری

***

بیر عؤمور خلقه موقاملار، شور و شهناز اوخودون
دویمادیق آز اوخودون
هرموقام ایسته‌دی خلق‌ائیله‌مدین‌ناز اوخودون
اصیل آواز اوخودون

***

بو فلک‌کسدی سگاهین وایوای ناله‌سین
قاراباغ شکسته‌سین
بو خبردن نئجه دؤزسون ساوالان تیتره‌مسین
اونئجه اینله مسین

ح. م. (ساوالان)
تهران ۱۳۵۸/۸/۱

توجه

خواستاران اشتراك می‌توانند مبلغ آبونمان سالیانه (۸۰۰ ریال) را از نزدیکترین شعبه هریك از بانکها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانك ملی ایران (شعبه داریوش‌خیابان‌بهار) واریزنمایند و رسید آنرا بضمیمهٔ نشانی خود بآدرس مجله (خیابان مصدق-کوچه بیدی- شماره ۱۷-تهران) ارسال فرمایند.

۲- شماره‌های گذشته مجلهٔ وارلیق را می‌توانید از کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران تهیه نمائید.

۳- ضمن تشکر وسپاسگزاری‌ازهمکاری بیدریغ نویسندگان مجله وارلیق باستحضار میرساند نظربااینکه تعداد صفحات مجله محدود است باکمال تأسف نمیتوانیم همه‌ی‌نامه‌ها ومقالات واشعار همشهریان عزیز را چاپ نمائیم ضمناً برای رعایت شرایط وموازین‌علمی خواهشمندیم در آخر مقالات مآخذ ومنابع مورد استناد واستفاده را مرقوم فرمایند و در ترجمه‌ها وترانسکریپسیونها ضمن رعایت‌امانت‌و وفاداری بمتن درصورت حذف ویا اضافه ویا تغییر کلمه ویا قسمتی از متن تذکر لازم را در پائین مقاله بدهند.

۴- جلد اول **تاریخ‌ادبیات‌آذربایجان** ازقرن۱۳ تا آخرقرن۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش» در اسفندماه ازچاپ خارج ومنتشر خواهد شد همشهریهای علاقمند میتوانند با پرداخت ۳۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله و ارسال رسید آن بدفتر مجله یکجلد از این کتاب را پیش خرید نمایند.

۵- در شماره آینده مجله که آخرین شماره سال ۱۳۵۸ خواهد بود صورت لغات ترکی ادبی را که در ۱۰ شماره مجله در سال جاری بکار برده شده با معانی آنها درج خواهیم نمود تا خوانندگان محترم مجله وارلیق مجموعه‌ای از لغات ادبی ترکی را در دسترس داشته باشند.

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی وهنری

(به‌زبانهای فارسی وترکی آذری)

تحت نظر هیئت تحریریه

صاحب امتیاز و مدیر : دکتر جواد هیئت

محل اداره : تهران، خیابان مصدق، کوچه بیدی شماره ۱۷

تلفن ۶۴۵۱۱۵ / ۷۶۱۸۳۶

چاپ کاویان - میدان بهارستان

جناب آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر

اولین رئیس جمهور اسلامی ایران

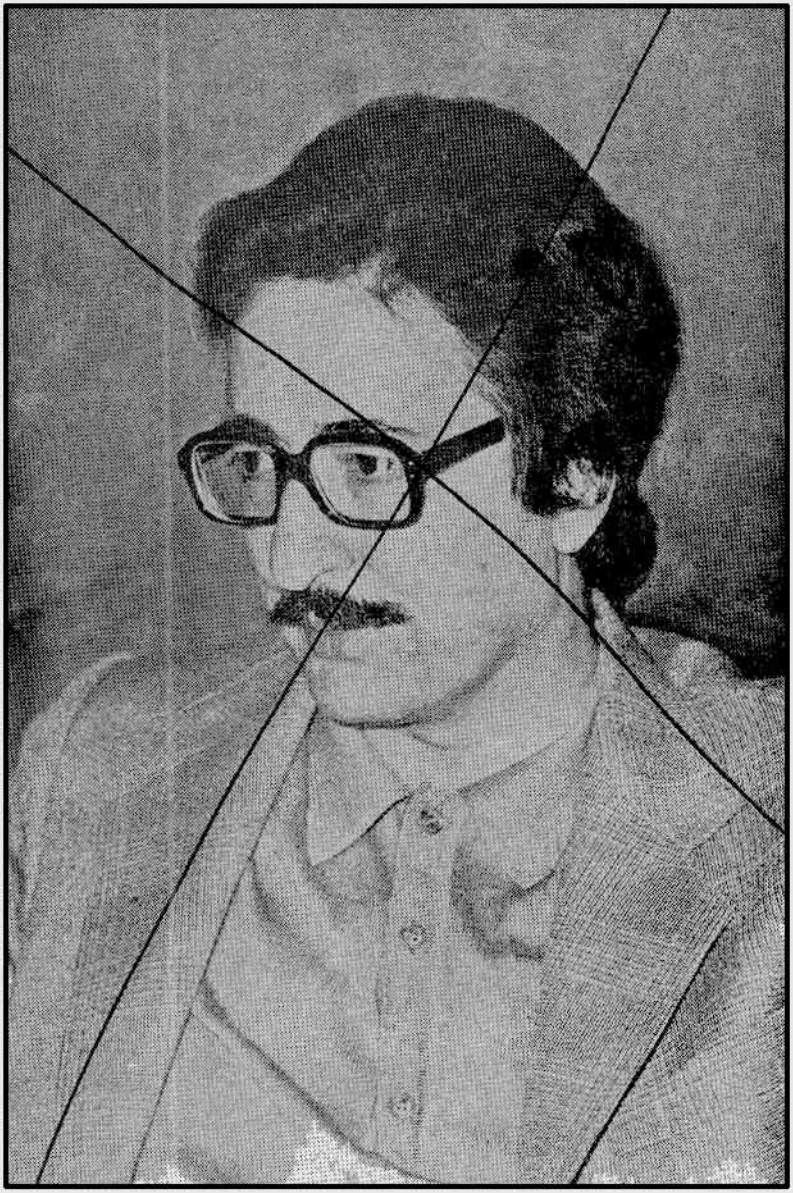

جناب آقای دکتر بنی‌صدر انتخاب حضرتعالی را از طرف ملت ایران و امام خمینی بمقام ریاست جمهوری تبریک گفته توفیق شما را در خدمت بملت و اعتلای کشور عزیزمان وهمچنین رفع همه‌گونه ستم از خلق‌های ستمدیده ایران را از خداوند خواستاریم. وارلیق